



گذری بر مبانی اجتماعی تحولات سوریه

سید حسین موسوی^۱

تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۱۵

چکیده

در ماه‌های اول سال ۲۰۱۱ به‌مرور امواج جنبش‌های نوین مردمی خاورمیانه به سوریه رسید و جامعه نسبتاً آرام سوریه را متلاطم ساخت. ارزیابی علل تلاطم در سوریه، همچون تونس و مصر با اتفاق نسبی آراء مفسرین، همراه نبود. گروهی آن را آشوب، گروهی آن را انقلاب و گروهی آن را براندازی نرم تلقی می‌کنند. همچون سایر کشورهای خاورمیانه که در دوران پس از جنگ سرد با نقش‌آفرینی روزافزون عوامل اجتماعی و بهره‌برداری از آن از سوی غرب روبرو هستند، در تحولات سوریه نیز می‌توان به بررسی نقش عوامل داخلی و نقش عوامل خارجی پرداخت. در این مقاله تلاش می‌شود تا ضمن مرور چگونگی به راه افتادن موج اعتراضات در سوریه، زمینه‌های اجتماعی و ساختاری شکل‌گیری آن‌ها بررسی شود. سپس اقداماتی که دولت سوریه برای فایق آمدن بر اعتراضات انجام داد و آثار و نتایج اقدامات و مشکلاتی که سوریه با آن روبرو است در این تحقیق مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اصلاحات، بشار اسد، بیداری اسلامی، تحولات سوریه، مدیریت بحران.

۱- دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات (mousavi_hossain@yahoo.com)

مقدمه:

چند ماه است که کشور سوریه دستخوش اعتراضات و درگیری است و تعداد زیادی از طرفین در این درگیری‌ها کشته شده‌اند. جایگاه سوریه در محور مقاومت و ویژگی‌های ملی آن، بر اهمیت ارزیابی تحولات این کشور افزوده است. تحلیل تحولات سوریه ضرورت اساسی تدوین استراتژی ج.ا. ایران و شیوه تعامل با آن در سطوح مختلف است. آیا این تحولات یک بلوا و شورش عمومی است؟ آیا یک براندازی نرم در جریان است؟ آیا یک انقلاب در جریان است؟ . . . اگر نقش عوامل و نیروهای خارجی و فراساختاری در راه‌اندازی و استمرار این اعتراضات از نقش عوامل داخلی و اجتماعی تأثیرگذارتر باشد، باید این اعتراضات را در چارچوب آشوب‌های سیاسی تلقی کرد و برای تحلیل آن به تئوری توطئه توجه کرد؛ ولی اگر نیروهای اجتماعی در آن نقش‌آفرین هستند این اعتراضات در چارچوب جنبش‌های اجتماعی قرار دارد.

مسأله: از آنجا که شناخت تحولات سرمنشاء سیاست‌گذاری است زمینه‌های ساختاری، اجتماعی و زیربنایی بروز اغتشاشات در سوریه چه بوده است؟ دولت سوریه برای فایق آمدن بر این زمینه‌ها تاکنون چه اقداماتی داشته و چرا تاکنون این تلاش‌ها ثمره مطلوب ایجاد آرامش در آن کشور را به ارمغان نیاورده است؟ بدیهی است که یافتن پاسخ این مسئله ما را در تعیین سیاست‌های بعدی مدد خواهد کرد.

مفروض: روند اصلاحاتی که از سوی رهبران کشور سوریه اعلام شده، زادگاه داخلی و اجتماعی آشوب‌های این کشور را نشان می‌دهد.

فرضیه: تحولات در سوریه برخاسته از عوامل زمینه‌ساز داخلی در آن کشور است و عوامل خارجی در قالب عوامل تسریع‌کننده و تکمیل‌کننده، فعال هستند. هنوز آشوب‌ها در این کشور فراگیر نشده و فرصت مهار وجود دارد. سیاست‌های رهبری سوریه فاقد انسجام است و استمرار این رفتارها، گزینه‌های پیش روی دمشق را کاهش می‌دهد. دولت سوریه نیازمند است که ضمن مدیریت اصلاحات به بسیج اجتماعی گسترده‌ای دست بزند و با افزایش اعتماد ملی از ادامه مقابله خونین با معترضین اجتناب کند.

برای یافتن پاسخ از شیوه استقرایی و استدلال بر مبنای برهانه‌ای استفاده شده است در

این شیوه پس از بررسی گذرای روند تحولات، به اقدامات اصلاحی پذیرفته و تن داده شده از سوی دمشق توجه کرده‌ایم، زیرا این اصلاحات در چارچوب پاسخ به شرایط و همراهی با خواسته مردم مطرح است.

بررسی مفاهیم

مخالفت در برابر ساختار حاکم، همزاد پیدایش «ساختار حاکمیت» است اما شکل مدرن مخالفت سیاسی یعنی تشکیل گروه و اقدام مشترک در برابر یک ساختار، سابقه چندان زیادی در تاریخ ندارد. گرایش به لیبرالیزم و گرایش به انقلاب، دو نوع متفاوت مخالفت را به وجود آورد. مخالفت در چارچوب قانون و مخالفت با چارچوب قانون، دو مفهوم مدرن مخالفت هستند. عدالت‌خواهی، آزادی، ارزش‌های قدسی و عرفی (تیموثی دی، ۱۳۷۹: ۶۵) گرایش‌های ملی، تمایلات قومی - مذهبی، مؤلفه‌های اقتصادی و کسب قدرت به عنوان مهم‌ترین انگیزه سیاسی (ریبی، ۱۳۸۳: ۳۰۱) مهم‌ترین مؤلفه‌های مخالفت هستند.

مارکسیسم به عنوان یک مکتب انتقادی، یکی از تلاش‌های نظریه‌پردازی برای مخالفت در حوزه عمل سیاسی را ارایه کرد. مهم‌ترین زمینه نظری که این مکتب برای مخالفت مطرح کرد روابط و مناسبات تولید بود. بحث‌های مربوط به حقوق اساسی نیز از جمله پشتوانه‌های نظری مخالفت است. این بحث که آیا بشر به صورت ذاتی حقوقی دارد که توسط دیگر ابناء بشر تعیین نشده باشد و اینکه آیا چه مقدار از حقوق فردی در زندگی اجتماعی قابل تحقق است، از جمله پیش زمینه‌های مهم بحث حقوق اساسی است. پیدایش فلسفی اندیشه لیبرالیزم، محصول تفکر در سوالاتی از این دست است.

شناخته شده‌ترین اصطلاحی که امروزه برای نشان دادن اقدامات ضدامنیت داخلی به کار برده می‌شود واژه براندازی است. این واژه در همین مفهوم در فرهنگ لغت فارس زبان‌ها قدمت هزارساله دارد. در تعریف براندازی می‌توان گفت: «براندازی از بین بردن یک حکومت نامطلوب و جایگزین کردن یک حکومت مطلوب به جای آن از طریق یک سری اقدامات ویژه می‌باشد». هر جامعه یا نظامی اعم از مردمی و غیرمردمی، حق و غیرحق می‌تواند بستر و بهانه‌هایی برای ایجاد و انعقاد نطفه جریان‌های برانداز داشته باشد که امنیت داخلی آن حکومت را به خطر می‌اندازد. به طور کلی در طول تاریخ جهت براندازی از سه شیوه عمده استفاده شده است. این شیوه‌ها عبارتند از: کودتا، جنگ (جنگ منظم و جنگ چریکی) و انقلاب.

کودتا، معمولاً اقدام سریع گروهی از نظامیان علیه یک رژیم سیاسی است و از مشارکت مردمی برخوردار نیست. البته در برخی موارد اقدام نظامیان با هدایت و همراهی برخی نخبگان سیاسی همراه خواهد بود.

جنگ بر دو نوع خارجی و داخلی است، جنگ تحمیل شده از سوی کشور خارجی می‌تواند اهداف عدیده‌ای داشته باشد که یکی از آن‌ها براندازی است. جنگ داخلی، مبارزه مسلحانه برای کسب قدرت میان طرف‌های درگیر در یک کشور است که به سبب طغیان بخشی از قدرت علیه بخشی دیگر یا درخواست تجزیه ارضی، خودمختاری و اعلام استقلال توسط گروهی از ساکنان کشور تحقق می‌یابد. جنگ مسلحانه میان گروه‌های معارض خواستار قدرت نیز نوعی دیگر از جنگ داخلی است. گاه تمایز بین انقلاب و جنگ داخلی مشکل می‌شود و یک حرکت برای بهره‌گیری از هر دو نام شایستگی می‌یابد. انقلاب، دگرگونی شدید و ناگهانی حکومت‌ها و دولت‌ها است که با توجه به میزان تغییراتی که در داخل کشور به وجود می‌آورد به دو نوع سیاسی و اجتماعی قابل تفکیک است. انقلاب سیاسی با تغییر حکومت بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی و ایدئولوژی غالب در کشور همراه است، اما انقلاب اجتماعی، دگرگونی سریع رؤسای حکومت، ساختار اجتماعی و تحول در ایدئولوژی غالب کشور می‌باشد. (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۶)

در بررسی تأثیر نیروهای داخلی و خارجی در براندازی، معمولاً هر دو سطح فعال هستند ولی معمولاً نقش یکی از دو سطح چنان غالب است که اثر سطح دوم را می‌پوشاند. از این منظر براندازی نرم که از شیوه‌های نوین براندازی است، عبارت از همان مداخله خارجی است که به شیوه نوین اعمال می‌شود. در مداخله سنتی نیروی مداخله‌گر، با استفاده از توانمندی‌های سخت‌افزاری خویش به تهاجم نظامی اقدام می‌کند و اتحاد جامعه هدف را مورد هجوم قرار می‌دهد؛ ولی در براندازی نرم، نیروی مداخله‌گر با استفاده از توانمندی‌های نرم‌افزاری خویش که در سه حوزه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از آن‌ها برخوردار است ابتدا با تسخیر اذهان و ترجیحات مردم کشور هدف قلوب آن‌ها را فتح و سپس به جای سربازان خویش آن‌ها را نیابتاً به تسخیر ارکان نظام وامی‌دارد.

در بررسی ریشه‌های براندازی در کشورهای جهان سوم نظریه «ساموئل هانتینگتون» اهمیت دارد، زیرا با شعارهای سیاسی تحولات خاورمیانه همسو است. او می‌گوید: «دولت‌ها در جهان سوم ناچار از توسعه سیاسی و مدرنیزاسیون هستند. در اثر نوسازی اقشار جدید، اجتماعی جدید که طبقه متوسط شهری نام دارند تولید می‌شوند و رشد می‌کنند و پیگیر

مطالبات سیاسی می‌شوند و به دنبال مشارکت سیاسی و کسب قدرت سیاسی هستند. از آنجا که در کشور سازوکارهای مشارکت سیاسی به طور مطلوب دیده نشده است طبقه متوسط به حرکت‌های پنهانی، زیرزمینی، خشونت‌بار و براندازانه روی می‌آورد.^۱ وی الگوهای تغییر و گذار کشورهای مختلف از صورت غیردموکراتیک به حالت دموکراتیک را تحت چهار الگو و نمونه متفاوت عنوان نموده است.

الگوی اول: گذار از طریق داد و ستد در بالا؛ گروهی از تغییرگرایان با روال قانونی وارد جرگه قدرت شوند و با پیگیری آرمان‌های خود نوعی دوگانه‌گی در حاکمیت ایجاد کنند و به‌مرور محافظه‌کاران را به پذیرش تغییرات قانع کنند.

الگوی دوم: گذار از طریق مذاکره؛ هنگامی که نه حکومت توانایی سرکوب مخالفین را دارد و نه مخالفین می‌توانند حکومت را سرنگون کنند، موافقین حکومتی تغییرات به مذاکره با مخالفین غیررادیکیال اقدام می‌کنند. مراحل اجرای این الگو آن است که حکومت اقدام به تغییرات می‌کند ولی آن تغییرات موجب افزایش مشروعیت حکومت نمی‌شود بلکه با افزایش فعالیت مخالفان شرایط به بن‌بست می‌رسد.

الگوی سوم: گذار در حالت جایگزینی؛ در این الگو تغییرگرایان درون حکومت ضعیف‌تر از آن هستند که بتوانند حکومت را به انجام تغییرات مجاب کنند، در حالی که قدرت مخالفان در براندازی جدی است و به فروپاشی حکومت اقدام می‌کنند.

الگوی چهارم: گذار از طریق مداخله خارجی؛ که نیروی خارجی نسبت به سرنگونی حکومت اقدام و تغییرگرایان داخلی را به قدرت می‌رساند.
از نظر هانتینگتون سه الگوی اول تا سوم در موج‌های اول^۱ و دوم دموکراسی^۲ و الگوی چهارم در موج سوم دموکراسی^۳ قابل تحقق است. (رک هانتینگتون، ۱۳۸۱)

۱- موج اول دموکراسی هنگامی است که با پذیرش قدرت مردم و ضرورت نقش آنها در تعیین سرنوشت سیاسی‌شان ایده‌جمهوریت در یک کشور ایجاد می‌شود.

۲- موج دوم دموکراسی مرحله تحمیل و تلفیق لیبرالیسم و دموکراسی است. در این مرحله آموزه‌های لیبرالی چون تساهل، حقوق اقلیت، امکان تغییر غیرخشونت‌آمیز نظام اعمال می‌شود.

۳- مرحله سوم مرحله تحمل دموکراسی است که یا نظامی که ارزش‌های لیبرالی را پذیرفته آنها را اجرا می‌کند که راه زوال و استحاله خود را پیموده و یا در مقابل فشارها مقاومت می‌کند که در آن صورت خود را با انقلاب رنگین روبرو خواهد دید.

نگاهی بر بیداری اسلامی

موج بیداری اسلامی از حدود یک‌صد و پنجاه سال پیش در چارچوب حرکت و تلاش‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگردانش آرام آرام امید بیداری را در خاورمیانه برافروخت. این امید در سال ۱۳۵۷ در زادگاه سید جمال، ایران و تحت رهبری هوشمندانه امام خمینی (رحمه‌الله علیه) و به دور از اشتباهات سید جمال به پیروزی رسید ولی توطئه‌های گسترده دشمنان در مهار و سرکوب حرکت‌های جدید در کشورهای اسلامی آغاز شد، تا الگوی پیش‌رو دچار ضعف مفرط شود. این تلاش‌ها بی‌ثمر نبود و توانست هزینه‌های انقلاب اسلامی را افزایش دهد و نمونه‌هایی بدلی نیز صورتک‌سازی کند. با این حال ظلم، فساد، تباهی، فقر و ذلت مردمی که در محوری‌ترین منطقه جهان در پس از جنگ سرد زندگی می‌کردند و تلاش آن‌ها برای رهایی از این وضع، قابل کتمان یا فراموشی نبود. از این رو رهبران کاخ سفید و نومحافظه‌کاران در پروژه «طرح برای یک قرن جدید آمریکایی»^۱ در سال ۲۰۰۴ / ۱۳۸۳، سند اجرایی طرح خاورمیانه بزرگ را ارایه کردند. این طرح بسیار زودتر از حد تصور آشفته تعبیر شد و اجراء طرح خاورمیانه بزرگ زودتر از حد تصور به بایگانی فرستاده شد.

نیمه دوم اولین دهه قرن جاری سال‌هایی فراموش نشدنی در حافظه جهان است. در این سال‌ها به مرور پوشالی، توهمی و توطئه‌محور بودن فرهنگ غرب، بر جهان اسلام آشکار شد. از یک سو ناکامی انقلاب‌های رنگی کشورهای آسیای میانه در دوره دوم ریاست جمهوری بوش و از سوی دیگر با افشاء جنایت‌های جنگی که به نام دموکراسی و لیبرالیسم برسر مردم عراق و افغانستان و لبنان و فلسطین روا گردید یا توسط حکام دیکتاتور تحت‌الحمایه غرب در کشورهای اسلامی اعمال شد، و از سوی دیگر با الگوی مردم‌سالاری دینی که جمهوری اسلامی ایران به منطقه هدیه کرد، حنای لیبرال دموکراسی غربی بی‌رنگ شد. ناتوانی غول نظامی غرب در عراق، افغانستان، لبنان و فلسطین و بحران اقتصادی آمریکا از تحرک غرب در منطقه کاست و بی‌اعتبار گشتن لولوهای افسانه‌ای شورای حکام و تحریم و فصل هفت منشور سازمان ملل و گزینه‌های روی میز و قطعنامه‌های شورای امنیت در پرونده هسته‌ای کشورمان نیز، تعار ارباب را شکست و گل خودباوری در خاورمیانه جوانه زد. از این رو ترنم بیداری اسلامی که مقام معظم رهبری در اواخر سال ۱۳۸۸ مژده آن را داده بودند(-

کریمی، ۱۳۸۹: ۱) در نیمه دوم سال ۸۹ چهره عیان کرد و همچون سرنگونی رژیم پهلوی در ایران، بسیار زودتر از آنکه برای غرب قابل فهم باشد طومار دو تن از سرسپردگان را در تونس و مصر به هم پیچید تا نشان دهند که در سرعت عمل نیز به الگوشان اقتدا دارند. اکنون غرب بار دیگر به خود آمده است و این هوشیاری بار دیگر هزینه‌هایی را بر منطقه تحمیل خواهد کرد. این هوشیاری در قالب تلاش برای مصادره انقلاب‌ها و با استفاده از شیوه‌های تصویرسازی و توجیه‌گری، وعده‌های اقتصادی حاتم‌بخشانه، بازگذاشتن دست حاکم طغیان‌گر برای بالا بردن هزینه انقلاب، انهدام زیرساخت‌ها و تضمین وابستگی، تطمیع اقتصادی و طرح شعارهای طایفه‌ای و... ظاهر خواهد شد. پیروزی غرب در پروژه فریب، منافع گسترده‌اش را تضمین خواهد کرد.

حرکت دیگری را که می‌توان مشاهده کرد در واقع پاتکی است که هم اکنون در کشور سوریه به اجرا درآمده و جنگ احزاب پنهانی را در آنجا بر علیه جبهه مقاومت شکل داده است. تغییر قدرت در سوریه می‌تواند تحولات پیش‌بینی نشده‌ای را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی با خود به همراه آورد. به قدرت رسیدن دولتی غرب‌گرا و تعطیلی پایگاه دریایی روسیه در بندر طرطوس، غربی شدن بیشتر دریای مدیترانه و محاصره بیشتر روسیه و تضعیف آن را به همراه خواهد داشت. به قدرت رسیدن اهل سنت در این کشور تا مدتی روابط با ایران را تضعیف و رقباء منطقه‌ای ما را تقویت خواهد کرد، هرچند ممکن است بار دیگر جبهه شمالی رژیم اشغالگر قدس را امنیتی و کام آن را نیز تلخ کند. سرنگونی دولت علوی سوریه در محور شیعیان شکافی ایجاد خواهد کرد و علاوه بر تهدید اقلیت ۱۲ درصدی علویان و اقلیت چند صد هزار نفری شیعیان اثنی‌عشری سوریه، شیعیان لبنان را منزوی و مقاومت اسلامی لبنان را از یک حامی صدیق و نیرومند محروم خواهد کرد. بر این حوادث باید ضایعه از دست رفتن یک متحد دولتی جمهوری اسلامی ایران را نیز افزود. با توجه به این شرایط می‌توان پیش‌بینی کرد که تغییر قدرت در سوریه در این شرایط به سرعت اتفاق نخواهد افتاد، ولی غرب تلاش خواهد کرد از این فرصت برای تضعیف و قابل کنترل ساختن سوریه بیشترین استفاده را ببرد.

اعتراضات در سوریه چگونه آغاز شد؟

سوریه در زمره آخرین کشورهای جهان عرب بود که در معرض انقلاب قرار گرفت. هر چند در بیش از یک دهه گذشته از به قدرت رسیدن بشار اسد نیز، حرکت‌های ضدحکومتی

با محوریت عناصر غرب‌گرا در سطح سیاسی محدود جریان داشته و گاه عناصر سلفی و افراطی نیز به اقدامات تروریستی دست می‌زدند، اما تحولات اخیر همچون تونس و مصر و در فضای جهانی شدن ارتباطات و مسطح شدن جوامع شکل گرفته است. ناآرامی‌ها در سوریه زمانی آغاز شد که در سایت فیسبوک صفحه‌ای تحت عنوان (سوریه بر ضد بشار اسد ۲۰۱۱) گشوده شد و درخواست کرد که در روز جمعه چهارم فوریه بعد از نماز تظاهرات بر ضد حکومت فردی، فساد و استبداد آغاز شود. در این روز تجمعی به وقوع نپیوست.

در ظهر ۱۷ فوریه (۲۱ بهمن) که جهان عرب در حیرت تحولات سریع مصر بود در سوق الحریقه که بازار پارچه‌فروشان شهر دمشق است، مشاجره‌ای بین جوانی به نام «عماد نسب» فرزند یکی از فروشندگان بازار با یک پلیس راهنمایی به وقوع پیوست و سایر فروشندگان را به اعتراض واداشت و تجمعی شکل گرفت. تعداد تجمع‌کنندگان را کمتر از سیصد نفر ارزیابی کرده‌اند. تجمع‌کنندگان در شعارهایشان خواهان حضور وزیر کشور شدند. وزیر کشور وقت سرلشگر سعید السمور پس از ساعتی به همراه مقامات وزارت کشور و دادستانی در محل حاضر شده، عماد نسب را مورد تفقد قرار داد و دستور برخورد با عناصر پلیس را صادر و تجمع را نیز به عنوان تظاهرات تقبیح کرد. در پی این حادثه نیروهای امنیتی در منطقه حضور یافتند و جوانی به نام «محمد فراس سیروان» بازداشت شد. (al3asefah.com/24869) نیروهای پلیس نیز با حضور در تعدادی از دبیرستان‌های دمشق اقدام به اخذ آدرس الکترونیک دانش‌آموزان می‌کنند (shababsyria.org/44340) و یکی از جوانان فعال در حوزه وبلاگ‌نویسی به نام «احمد ابوالخیر» را برای چند روز در شهر بانپاس بازداشت می‌کنند. وی در وبلاگ خود از «تغییر در یاسمین» که استعاره از شهر دمشق است مطلب نوشته بود. (ahmadblogs.net/77) با بازداشت محمد فراس سیروان در سایت فیسبوک صفحه‌ای به نام «همه ما سیروان هستیم... مردم سوریه دلیل نمی‌شوند»، باز گردید (facebook.com/17005).

در ۲۴ فوریه «عبدالحمید خدام» با ادعای وجود شرایط نابسامان سوریه در نامه‌ای به بشار اسد توصیه کرد که قدرت را به دولت وحدت ملی بسپارد و از قدرت کناره‌گیری کند، انتخابات مجلس موسسان برگزار و قانون اساسی جدید تنظیم شود. وی در این نامه چهل و یک سال حکومت خاندان اسد را سال‌های ظلم و فشار و قتل و زندان نامید و با به رخ کشیدن شرایط لیبی وی را نصیحت کرد که به مقاومت در برابر مردم نپردازد که این کار

موجب سقوط ارتش و نیروهای امنیتی و خونریزی میان مردم خواهد شد. در ۲۷ مارس نیز روزنامه‌ای اسرائیلی اعلام کردند که نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، درخواست از سرگیری مذاکرات صلح که از سوی بشار اسد و به وسیله سناتور ژوزف لیبرمن ارایه شده را، با این استدلال که سوریه نمی‌تواند ضمن استمرار دادن به همکاری با ایران و ارسال سلاح به حزب‌الله لبنان خواهان مذاکره با اسرائیل باشد، را رد کرده است. بازی در میانه میدان از ویژگی‌های سیاست خارجی سوریه است.

کمتر از یک ماه بعد در ۱۲ مارس در شهر قامشلی مراسم گرامی داشت ششمین سالگرد سرکوب مردم این شهر در ۱۲ مارس ۲۰۰۴ برگزار و از حکومت خواسته شد که سیاست‌های خویش را در حق اکراد اصلاح کند و از نادیده گرفتن حقوق اکراد دست بردارد. (anhri.net/2010)

در روز ۱۴ مارس «علی‌البدالله» نویسنده‌ای سوری و از اعضای کمیته‌های جامعه مدنی که از سال ۲۰۰۵ به زندان افتاده بود، در پی انتشار مقاله‌ای که در آن روابط سوریه-ایران را مورد اعتراض قرار داد، به سی ماه زندان بیشتر محکوم شد؛ دولت سوریه از مدتی قبل با بالا گرفتن تب انقلاب در جهان عرب به بستن بیشتر فضای سیاسی همت گمارده بود. (almustaqbal.com/457455)

پس از آنکه تعداد مشارکت کنندگان در صفحه (سوریه بر ضد بشار اسد ۲۰۱۱) به بیست و پنج هزار نفر رسید، پیشنهاد شد که در روز شنبه ۴ مارس در تمامی شهرها تظاهرات انجام شود، ولی در این روز نیز که با آمادگی نیروهای امنیتی همراه بود، تجمعی برگزار نشد (an7a.com/2011/01/05) تا اینکه در ظهر روز سه‌شنبه ۱۵ مارس و در حالی که تعداد مشارکت کنندگان در آن صفحه از مرز چهل و دوهزار مشارکت گذشته بود، پس از نماز ظهر گروهی از نمازگزاران که از چند ده نفر بیشتر نبودند از مسجد اموی که در منطقه قدیمی و باستانی شهر دمشق قرار دارد با سردادن شعارهای سیاسی و آزادی‌خواهانه خارج شدند و تا ابتدای بازار حمیدیه به راه خود ادامه داده و در آنجا پراکنده شدند نیروهای امنیتی هم نسبت به بازداشت شش نفری که تظاهرات را راه‌اندازی کردند، اقدام نمودند. شهرهای حمص، حسکه، دیرالزور، قامشلی در منطقه کردنشین شرق سوریه و شهر درعا در جنوب نیز شاهد تظاهرات‌هایی بودند. از آنجا که کشور سوریه دارای سیزده استان و تقریباً همین تعداد شهر مهم است، می‌توان گفت که در بیش از نیمی از شهرهای سوریه اولین حرکت‌های اعتراضی در سطحی محدود آغاز و انرژی ساکن اعتراض در این کشور

به انرژی جنبشی تبدیل شد. سوری‌های مقیم مصر نیز در مخالفت با شرایط سوریه در مقابل سفارت این کشور دست به تظاهرات زدند و خواهان لغو قانون شرایط ویژه، آزادی زندانیان سیاسی دارای بیش از هفتاد سال سن، اعطاء آزادی بازگشت به مخالفان در تبعید و آزادی زندانیان شدند و سوریه را به اعزام نیرو به لیبی برای کمک به سرهنگ قذافی متهم کردند. اعضاء نهادهای جامعه مدنی سوریه از این تظاهرات به نفع خود استفاده کردند و در توضیح و توصیف این تظاهرات به شرح و مصاحبه پرداختند، ولی اذعان کردند که نسبت به برگزارکنندگان تظاهرات شناختی ندارند.

در ۱۶ مارس تظاهرات دیگری در نزدیکی وزارت کشور از سوی خانواده زندانیان سیاسی و طرفداران حقوق بشر برگزار شد. این تظاهرات با حمله نیروهای پلیس و طرفداران شخصی حکومت متفرق، و تعدادی از عناصر جامعه مدنی سوریه بازداشت شدند. از چند روز قبل سیزده تن از زندانیان سیاسی سوریه دست به اعتصاب غذا زدند. این تظاهرات در مقایسه با تظاهرات روز گذشته بزرگ‌تر بود و تعداد تجمع‌کنندگان به بیش از دویست نفر می‌رسید. در این تظاهرات نیز شعار اصلی بازگشت «کرامت» به مردم سوریه بود و آن‌ها خواهان تظاهرات‌های غیر خشونت‌آمیز بودند. تظاهرات دیگری نیز در شهر حلب برگزار شد که به سرنوشت تظاهرات در دمشق دچار شد و در هر مورد تعدادی بازداشت شدند. روز پنجشنبه ۱۷ مارس، از سوی گروهی در صفحه فیسبوک برای تظاهرات در روز جمعه تحت عنوان «روز خشم سوریه» فراخوان داده شد و به آن روز «جمعه کرامت» اطلاق گردید. این درخواست مورد حمایت حدود پنجاه هزار تن قرار گرفت. در روز جمعه ۱۸ مارس شهرهای دمشق، درعا، حمص و بانیاس شاهد تظاهرات بودند. تجمع‌کنندگان در مسجد اموی دمشق شعار لاله‌الله سردادند و با برخورد نیروهای امنیتی پراکنده شدند، ولی در شهر درعا نیروهای امنیتی خشونت بیشتری به خرج دادند و سه چهار نفر از تظاهر کنندگان کشته و تعدادی مجروح و گروهی از جمله پانزده تن از نوجوانانی که مشغول شعارنویسی بودند و تعدادی از مجروحین بیمارستان شهر، بازداشت شدند. در این درگیری از هلیکوپتر استفاده شد و از مناره‌های مساجد برای کمک‌رسانی به مردمی که مورد حمله قرار گرفته بودند استفاده شد. در روزهای بعد به افرادی که به تشییع جنازه‌ها پرداختند نیز تیراندازی شد و وساطت و کفالت بزرگان و شیوخ شهر که طبق سنت با گروه‌گذاران عمامه خویش، حرفشان را تضمین می‌کنند رد شد و خشونت ادامه یافت. این خشونت با خصلت‌های شخصی مقامات امنیتی درعا همسو بود. با توجه به پتانسیل بومی اعتراض در

سوریه، چنین نیست که اگر به سنت توجه می‌شد قطار اعتراض از حرکت باز می‌ایستاد، ولی کاهش سطح خشونت متصور است.

خشونت شهر درعا موجب شد که دولت سوریه هیأتی را برای تسلیت گفتن به مردم به آنجا اعزام و اعلام نماید که نوجوانان بازداشت شده را فوراً آزاد می‌کند. روز یکشنبه ۲۰ مارس هیأت تفقد از آسیب‌دیدگان به شهر درعا رفت. در دیدار با این هیأت مردم خواستار آزادی‌های سیاسی، بازخواست از مسئولین محلی، آزادی زندانیان سیاسی و اجراء اصلاحات سیاسی و اقتصادی شدند. در استقبال از آن‌ها تجمعی چند هزار نفری به راه افتاد که خشم خود را با آتش زدن مقر حزب بعث، مقر دادگستری، چند اداره دولتی و تعدادی از ماشین‌های دولتی شهر نشان دادند. دو دفتر شبکه مخابرات و تلفن‌های موبایل «سیریاتل» که متعلق به «رامی مخلوف» پسر دایی آقای بشار اسد است نیز آتش زده شد. تعدادی از مردم روستاهای اطراف نیز به این تظاهرات پیوستند. با این درگیری‌ها شرایط امنیتی شهر سخت‌تر شد و شهر درعا و شهرک‌های استان درعا به محاصره درآمدند و دستگیری‌ها در منطقه افزایش یافت. روز چهارشنبه بار دیگر در درعا تعدادی کشته شدند و متحصنین در مسجد جامع العمری مورد حمله قرار گرفتند. اقدامات ارعاب‌آوری چون قطع آب و برق و استقرار تک‌تیراندازان در پشت بام‌ها از جمله اقدامات نیروهای امنیتی بود. حمله به مراسم تشییع جنازه‌ها که با حمله نیروهای نظامی همراه بود، در تشدید بحران نقش داشت. حملات نیروهای امنیتی موجب قطع درگیری‌ها در شهر نشد، ولی سطح مطالبات را ارتقاء داد و تظاهرکنندگان خواستار پایان یافتن قانون شرایط فوق‌العاده که از چهل و هشت سال قبل در این کشور به طور مستمر ادامه یافته بود؛ و آزادی زندانیان سیاسی گردیدند. در حالی که بر تعداد کشته شدگان نیز اضافه می‌شد و از مرز یکصد کشته عبور می‌کرد و تعداد مجروحین و مفقودین هرکدام به مرز هزار نفر نزدیک می‌شد؛ به‌مرور شایع گردید که سه هزار تن از نیروهای حزب‌الله و پنج هزار تن از نیروهای سپاه پاسداران نیز در حمله به شهر درعا به کمک ارتش سوریه آمده‌اند و «مامون الحمصی» از مخالفین دولت دمشق، دبیر کل حزب‌الله را تهدید کرد که اگر نیروهایش را از لبنان خارج نکند، آن‌ها پوشیده درکفن، از سوریه بازخواهند گشت. هر چند این مبارزه‌طلبی به سرعت مورد بهره‌برداری عناصر مترصد و کینه‌دار قرار گرفت ولی به همان سرعت که آغاز شد ادامه نیافت. بعداً نیز حمله به متحدین دولت سوریه به صورت موردی رخ داد.

قبلاً نیز در سوریه تظاهرات انجام می‌شد^۱ ولی مساجد مناطق آشوب‌زده، برای اولین بار به پایگاه آغاز تظاهرات تبدیل گشت. برگزاری تجمعات در نمازهای جمعه، معترضین را از کمند بایدهای قانونی اخذ مجوز تجمع رهایی بخشید و جامعه مذهبی سوریه را در برابر دولت دمشق قرار داد و به وضعی که در یک دهه گذشته معارضین غیر مذهبی و طرفداران غرب‌گرای کمیته‌های جامعه مدنی سوریه به آن دچار بودند و مردم مذهبی سوریه از همراهی با آن‌ها امتناع می‌کردند، پایان داد. هویت جدید مساجد به عنوان پایگاه مقاومت هنگامی کامل شد که در درگیری بین مردم و عناصر نظامی، مردم به مساجد پناه بردند و در مأذنه‌ها کمک طلبیدند و مجروحان و کشته‌ها را به آنجا منتقل کردند. نیروهای امنیتی نیز با عدم درک خطر افتادن در این دام و حمله به این قبیل مساجد یا کشتن نمازگزاران، از جمله در مسجد شهر بانیاس و برخورد با روحانیانی که چه بسا منتظر بودند این هویت را تأیید کنند، این حلقه را تکمیل کردند. مساجد تا پیش از این تحولات از مراکز قابل سرمایه‌گذاری دولت سوریه بود و بشار اسد پس از مرگ پدر، با اصلاحاتی همچون مجاز ساختن مساجد به فعالیت‌های مذهبی در خارج از وقت نماز، حضور در نمازهای عید قربان و فطر، پخش اذان از مأذنه مساجد در پنج وقت و نماز خواندن ارتشیان در پادگان‌ها در نزد اقشار مذهبی سوریه سابقه و وجهی مذهبی کسب کرده بود.

در ۲۷ مارس سوری‌ها برای نخستین بار پس از سال ۲۰۰۷ میلادی اجازه یافتند بدون استفاده از سروهای پروکسی (فیلترشکن) که در خارج کشور فعال هستند، از سایت‌های «فیس‌بوک» و «یوتیوب» استفاده کنند. فارغ از تفسیر علل این اقدام (medianews.ir/2011/03/03)، در کوتاه مدت این حرکت بر امنیت در سوریه تأثیر سلبی داشت و دمشق را در معادله دو سر ضرر قرار داد.

پس از تظاهرات درعا شهرهای لازقیه و بانیاس و حمص در معرض تظاهرات قرار گرفت و به مرور تظاهرات براندازانه از تجمع در تک‌شهرها به تظاهرات هم‌زمان در چند شهر تبدیل شد. با فراگیری نسبی تظاهرات در شهرها و روستاها و استمرار آن‌ها، تبعات استمرار بحران دامن سوریه را گرفت و ارتش که نماد مقابله با دشمن است را، برای کمک به نیروهای امنیتی به صحنه مقابله با شهروندان در شهر حمص کشاند و شکاف بین معترضین و حکومت را افزایش داد. با ورود ارتش به صحنه درگیری‌ها بر تعداد مردمی

۱- معمولاً این قبیل تظاهرات‌ها از سوی عناصر جامعه مدنی و در اماکن ملی یا نزدیک به مراکز حکومتی چون میدان یوسف‌العظمه یا سبع‌بحرات یا باب‌توما برگزار می‌شد.

که کشته می‌شدند و نظامی‌هایی که به قتل می‌رسیدند افزوده شد. سلاح‌های مورد استفاده دیگر متناسب مقابله با اعتراضات مردمی نبود و برخوردها با طرح و نقشه نظامی - امنیتی همراه بود. در این درگیری‌ها معمولاً تعدادی سلاح کشف و بخشی از کشته‌ها نیز نتیجه جنایت گروه‌های مسلح غیرقانونی اعلام می‌شد. تصاویر پخش شده از سوی رسانه‌های سوری گویای آن بود که با سلاح‌های شکاری و کلاشینکوف و چاقو و قمه یا نارنجک کشف شده، به عناصر نظامی حمله شده است. علی‌القاعده عناصر مسلح غیرقانونی که قصد سرنگونی حکومت را دارند از سلاح‌های قوی‌تری برای مقابله با ارتش نیرومند سوریه استفاده می‌کنند!

حدود یک‌ماه و نیم بعد از آغاز درگیری‌ها شرایط به ایستایی رسید و چرخه تظاهرات - مقابله - تظاهرات - مقابله، به تناوب رخ می‌داد از این رو بر حضور ارتش در درگیری‌ها و کیفیت عملیات افزوده شد تا شهر به شهر به غایله پایان داده شود. برای اول بار شهر درعا مورد تاخت زرهی ارتش سوریه قرار گرفت و حدود یک هفته محاصره و درگیری طول کشید. ارتش سوریه نیز اعلام کرد که در درگیری‌های درعا چهارصد و نود و نه تروریست را بازداشت کرده (thawra.alwehda.gov.sy/2011/05/05) و تصویر تعدادی سلاح جاسازی شده در مسجد العمری را نشان داد و اظهار داشت که بیش از یک میلیون پیامک برای به کارگیری مساجد بر علیه دولت از سوی اسرائیل ارسال شده است (thawra.alwehda.gov) هرچند در طول درگیری همچنان مردم شهرهای اطراف به حمایت از درعا تظاهرات کردند ولی پس از یک هفته، آرامشی نسبی بر منطقه حاکم شد؛ به گونه‌ای که در جمعه ۲۰۱۱/۵/۶ که به جمعه التحدی (مبارزطلبی) نامگذاری شده بود تعداد کشته‌ها بین بیست و شش تا سی نفر (france24.com/2011/05/06) و در جمعه پس از حمله به درعا که به یاد زنانی که در درگیری‌ها کشته یا بازداشت شده بودند «جمعه الحرائر» نامگذاری شده بود، تعداد کشته‌ها فقط شش نفر اعلام شد. (aljazeera.net/NR/B166.htm)

ارتش سوریه این موفقیت را در شهرهای بانیاس و حمص نیز تکرار کرد و ضمن دستگیری تنی چند از طرفداران عبدالحلیم خدام و جاسوسان اسرائیلی، امیر امارت بانیاس «انس عیروط» که گفته شد از سوی القاعده منصوب شده است را نیز بازداشت کرد، (altawhid.org/2011/05/10) ولی کشف چند گور دسته‌جمعی در درعا که ارتش به ایجاد آن متهم شد، انتقادات تندی که از سوی نخست‌وزیر ترکیه بر علیه دولت سوریه مطرح

شد و از تظاهرات مردم حمایت و اتهامات دولت سوریه به تظاهرات کنندگان را بی‌اساس خواند، و حمایتی که اتحادیه اروپا با قرارداد نام سیزده تن از مقامات ارشد سوریه در لیست تحریم‌ها، از حرکت مردم نشان داد و حمایت اوباما از تظاهرات در سوریه، بار دیگر معترضین را تشجیع کرد به گونه‌ای که نه تنها موفقیت درعا بار دیگر تکرار نشد بلکه طی سه هفته بعد تظاهرات‌ها جدی‌تر و بر کشته‌ها افزوده شد، مخالفین با حمایت ترکیه و اروپا، دو تجمع در آنتالیا و بروکسل برگزار کردند، که علی‌رغم تخریب چهره خارجی سوریه، اختلافات بین مخالفین بشار اسد را نیز تا حدودی نشان داد. ترمدهایی نیز از سوی عناصر ارتشی به وقوع پیوست که متمردين در صحنه درگیری یا پس از آن ظاهراً به جوخه مرگ سپرده شدند. شرایط سیاسی بین‌المللی سوریه نیز ضعیف‌تر گردید و مقامات سوریه تحت تحریم از سیزده نفر به بیش از بیست و پنج نفر افزایش یافتند و مقامات جدیدی به لیست اول افزوده شدند؛ آمریکا اقدام به تحریم بشار اسد کرد و اروپا از این تحریم تبعیت نمود؛ مقامات ارشد سپاه پاسداران نیز در لیست تحریم قرار گرفتند، پرونده هسته‌ای سوریه در شورای حکام مطرح و علی‌رغم عدم اجماع، به سرعت به شورای امنیت ارجاع و کار پرونده سوریه به دست چانه‌زنی اعضاء دایم شورای امنیت سپرده شد.

با محاصره شهر تلکخ در مجاورت خاک لبنان، حدود پنج هزار نفر سوریه، به این کشور فرار کردند. این فرار از یک سو تبعات درگیری‌ها برای لبنان را افزایش داد و شرایط بین طرفداران و مخالفین بشار اسد را در لبنان حادتر کرد، و از سوی دیگر رسانه‌های خارجی که از بدو درگیری‌ها در سوریه با محدودیت‌های زیادی روبرو شده‌اند را به سوی آوارگان فرستاد. به گونه‌ای که پس از مدتی به استناد اظهارات متواریان از تلکخ رسیدگی به اتهام جنایت علیه بشریت به مقامات سوریه توسط دیوان بین‌المللی دادگستری قابل پیگیری تلقی شد و اکنون روز به روز بر طبل دیوان کیفری بیشتر کوفته می‌شود. (kuwait.tt/126775)

حمله به شهر جسرالشاغور هزینه ارتش سوریه را نیز سنگین کرد، زیرا در کمینی که به یک ستون ارتش سوریه زده شد حدود چهل تن، و در مرکز اطلاعات نظامی شهر نیز هشتاد و دو تن از عناصر نظامی کشته شدند. مقامات سوریه تأکید دارند که تروریست‌ها حمله‌ای گسترده و طولانی مدت را به نیروهای امنیتی انجام داده‌اند و نیروهایی که از این کشتار فرار کرده‌اند در مصاحبه خویش این نکته را تأیید کردند (thawra.alwehda.gov.sy/20110610)

ولی معترضین می‌گویند که گروهی از عناصر نظامی سر به شورش برداشته و در درگیری از دو طرف این تعداد کشته شده‌اند. از نظر من اظهارات مقامات سوری با سوالاتی روبرو است.^۱ درگیری‌های استان ادلب بیش از ده هزار سوری را به سوی پنج اردوگاهی که ترکیه در جدار مرز ایجاد کرده است کوچ داد و طول خط مرزی ترکیه دستخوش حوادث سوریه قرار گرفت. تا پیش از این مناطق شرقی مرزها در معرض حوادثی چون فرار اکراد یا قاچاق سلاح از ترکیه بود (thawra.alwehda.gov.sy/2011/05/28) و مقامات ترک نسبت به عدم حمله ارتش سوریه به اکراد هشدار می‌دادند. در مجموع تلفیق تظاهرات مردم و حمایت خارجی هزینه‌های دولت سوریه را افزایش داد.

اکنون هر هفته برای روز جمعه نامی اختصاص می‌یابد و گروهی از مردم و نیروهای امنیتی در درگیری کشته می‌شوند. تظاهرات‌های شبانه به وقوع می‌پیوندد و در شهرهایی چون حلب نیز تظاهرات‌هایی رخ داده است. در بعضی از شهرها درگیری‌ها به مرور از جنگ و گریز به راهپیمایی‌های گسترده تبدیل شده است. نیروهای امنیتی با کمبود نیرو روبرو هستند و ارتش به طور رسمی وارد درگیری‌ها شده است. این مهم ضمن افزودن بر تعداد کشته‌ها موضع دمشق را نیز تضعیف خواهد کرد. تاکنون تعدادی از شهرها شاهد چندین تظاهرات چند صد هزار نفری بوده است. حتی اگر این عدد را اغراق‌آمیز بدانیم، تصور عدد واقعی آن قابل توجه است. علی‌رغم ارزیابی اولیه، مناطق کردنشین شرق دیرنگام به موج اعتراضات پیوست و روزهایی که مناطق عرب‌نشین درگیر ضد و خورد

۱-۱- کشته‌ها متعلق به دو درگیری مجزا هستند. از شیوه قتل نیروهایی که به کمین افتادند گزارشی در رسانه‌ها درج نگردید، ولی در مورد گروه دوم گفته شد که درگیری‌های گسترده‌ای در داخل مرکز اطلاعات نظامی جسرالشاغور به وقوع پیوسته است. دو بار غافلگیری در یک روز دور از انتظار است علاوه بر آنکه اطلاق غافلگیری به مورد اخیر سهل‌القبول نیست. ۲- کشتن ۱۲۰ نیروی نظامی نیازمند وجود یک گروه مسلح نیرومند و نیز کشته‌هایی از آنها است، وجود چنین نیرویی در قبل یا بعد از درگیری از سوی مقامات سوری تأیید نشده؛ علاوه بر آنکه استان ادلب از استان‌های امن سوریه است و دپوی چنین نیرویی دور از چشم مقامات سوری دور از انتظار است. ۳- مدت کوتاهی بعد از این کشتار سرهنگ دوم حسین عرموش که به ترکیه پناهنده شده بود مسئولیت درگیری با گروهی از نیروهایی که در حال حرکت به سمت شهر بودند را پذیرفت. ۴- تصویر یا گزارشی از مهاجمینی که در این نبرد کشته شدند پخش نشد و علی‌رغم آنکه گفته می‌شد شهر مملو از تروریست‌ها است چند روز بعد ارتش بدون روبرو شدن با عناصر مسلح موفق به بازپس‌گیری آن شد. ۵- مقامات سوری اعلام کردند که مهاجمین لباس نیروهای مسلح ارتش سوریه را بر تن داشته و با وسایل نقلیه دولتی به نیروهای نظامی حمله کرده‌اند. ۶- پس از شهر جسرالشاغور در شهر معره‌النعمان که در همان استان ادلب و در فاصله‌ای نزدیکتر به ترکیه قرار دارد درگیری رخ داد و ارتش سوریه برای اول بار با ۵ هلی‌کوپتر بخشی از تظاهرات را مورد حمله قرار داد. استفاده از هلی‌کوپتر می‌تواند نشانگر بیم از اقدامات پیش‌بینی نشده نیروهای نظامی پیاده و تأییدی بر درگیری عناصر نظامی در جسرالشاغور باشد. این اظهارات از نظر من، یعنی مهاجمین بخشی از نیروهای جداشده ارتش سوریه بوده‌اند که با استفاده از امکانات در اختیار و بهره‌برداری از اصل غافلگیری هم‌قطاران‌شان را به گلوله بسته‌اند.

بود این مناطق آرامشی نسبی را تجربه می‌کرد، که باید آن را در رویکرد مثبت دولت در دادن تابعیت به اکراد دید؛ ولی به‌مرور تحت تأثیر درگیری در سایر مناطق به‌ویژه لطمه‌ای که بر اقتدار نیروهای سوری در شهر البوکمال وارد شد، ناآرامی در این مناطق به دغدغه‌های دمشق افزوده است. اکنون در چند شهر خبر از جداسدن بعضی از عناصر نظامی و وجود درگیری‌های پراکنده واصل شده است که می‌تواند در روحیه طرفین تأثیری بر جا بگذارد، هرچند این انشقاق‌ها محدود است.

هرچند در ماه مارس تظاهرات گسترده‌ای به نفع بشار اسد انجام شد ولی در ماه آوریل از حضور گسترده طرفداران دولت سوریه حرکت گسترده‌ای دیده نشد. در هفته‌های پایانی سومین ماه درگیری‌ها بار دیگر طرفداران بشار اسد به خیابان‌ها آمده و در حمایت از وی تظاهرات‌های گسترده‌ای راه انداختند و در حالی که هنوز جابه‌جایی‌های نظامی انجام می‌شود، از انجام عملیات‌های نظامی و کشتار طرفین کاسته شد. در روز دوشنبه ۲۰۱۱/۶/۲۸ (۹۰/۴/۶) اولین تجمع رسمی مخالفین دولت سوریه در هتل سمیرامیس در شهر دمشق تحت عنوان "سوریه للجمع فی ظل دوله ديمقراطیه مدنیة" برگزار شد. (syria-news.com/134318) یک هفته بعد در ۹۰/۴/۱۲ موافقین در همان محل، تجمع کم‌فروغی تحت عنوان "المبادره الوطنیه من أجل مستقبل سوریه" برگزار کردند که با حاشیه‌هایی همراه بود. (www.syria-news.com,134533) پس از آن نیز طی دو روز و نیم باحضور جمعی از طرفداران دولت و مخالفین داخل کشور اولین گفتگوهای مشورتی به ریاست فاروق الشرع برگزار شد که گامی مثبت ولی ناکافی تلقی می‌گردد.

بررسی روند سه ماه اول درگیری‌ها در سوریه مجموعه‌ای از اقدامات و گزینه‌های پیش روی طرف‌های مختلف درگیر در سوریه را نشان می‌دهد. در مجموع روند درگیری‌های سوریه را می‌توان چنین خلاصه کرد.

۱- هر چند عناصر کمیته‌های جامعه مدنی و حقوق بشری در اولین روزها نقش‌آفرینی داشتند ولی به سرعت توده‌ها از آنان سبقت گرفتند، با این حال این افراد خود را همچنان در موضع سخنگو حفظ کرده‌اند. حضور گسترده این افراد در نشست‌های بین‌المللی نشان‌گر تلاش آن‌ها برای حفظ این موقعیت است.

۲- تظاهرات شهر درعا به سرعت شرایط را امنیتی کرد، حمله نیروهای امنیتی به مردم در کاهش اعتراضات سایر شهرها توفیقی نداشت ولی آستانه تحمل مردم را کاست و سطوح مطالبات آن‌ها را از سطوح اجتماعی و سیاسی به سطوح عالی امنیتی ارتقاء داد و مردم را به

مقابله‌های سخت‌افزاری و پوشش دادن به عناصر آشوب‌طلب و مترصد داخلی و خارجی وارد کرد. خشونت در برخورد و مقاومت‌های هرچند محدودی که به وقوع پیوست و گروهی از نیروهای امنیتی جان خود را از دست دادند، تابوی به کار بردن سلاح در برابر نیروهای نظامی را شکست، و تظاهرات یک هفته‌ای درعا چراغ راه تظاهرات در شهرهای دیگر شد. استمرار درگیری‌ها گویای آن است که رهبری سوریه استراتژی پرهزینه ساختن اعتراضات را در پیش گرفته است و معترضین نیز برای پیگیری خواست‌های خود آماده هزینه دادن هستند.

۳- علی‌رغم عدم انسجام خواسته‌های نخبگان معترض، توده‌های معترض از خواسته‌های منسجم و نزدیک به هم برخوردارند. عامه معترضان دارای ویژگی‌های مذهبی هستند و مساجد و مراسم مذهبی نقش عمده‌ای در استمرار تظاهرات ایفاء می‌کند.

۴- در بدو امر دولت تلاش کرد بهانه مذهبی اعتراضات را از مردم گرفته و به مرور به عموم خواسته‌های مردم پاسخ دهد؛ ولی تأخیر چندین ساله در مطالبات و کشتار معترضین، کارایی این مماشات و همراهی با مردم را ناچیز و آن‌ها را در ادامه اعتراضات جسور ساخته است. اقدامات و وعده‌های دولت به انجام اصلاحات در کاهش خشونت‌ها تأثیر نسبی و سینوسی دارد. عملکرد رهبری سوریه مصداق هم‌چوب را خوردن و هم‌پیاز را است.

۵- استمرار حضور مردم در تظاهرات در شهرهای آشوب‌زده گسترده‌تر از آن است که بتوان حوادث سوریه را تنها دست‌پخت و توطئه براندازانه بیگانه دانست، با این حال حمایت بیگانگان در دل‌گرمی و تهییج مردم مؤثر است. عناصر بیگانه برای انتقام‌گیری از گذشته دولت سوریه در دفاع از مقاومت و تدوین نقشه راه مطلوب خویش برای آینده این کشور، منتظر کسب اجازه از کسی نمانده‌اند.

۶- هر چند هنوز شهرهای مهم حلب، لاذقیه و دمشق با تظاهرات‌های میلیونی روبرو نشده‌اند، ولی در تمام شهرهای سوریه حریم بین معترضین و حکومت شکسته شده و خون‌های بر زمین ریخته از طرفین به‌سادگی قابل فراموشی نیست. استمرار ناامنی و اعتراض در بخش‌های وسیعی از خاک سوریه ثبات و استحکام امنیت در این شهرها را تضعیف کرده و به حاشیه امن آن‌ها نمی‌توان اعتماد کرد.

۷- اغتشاشات سوریه از نوع اغتشاشات مذهبی، فرقه‌ای یا اعتراض اکثریت به حکومت اقلیت نیست؛ زیرا با توجه به نسبت دوازده درصدی علویان که قدرت را در اختیار دارند درصد اعتراضات در مناطق علوی‌نشین کمتر از مناطق سنی‌نشین نبوده است، جمع‌کثیری

از اهل سنت همچنان در جمع موافقین حکومت هستند و شعارها و خواسته‌ها نیز فارغ از چارچوب علوی- سنی یا عربی- کردی بوده‌است با این حال اگر روزی ساختار دولت سوریه فروریزد خسارت جبران‌ناپذیری را علویان متحمل خواهند شد.

اقدامات دولت سوریه

یکی از ویژگی‌های متمایز سوریه در قبال اعتراضات، نگاه روشن و مثبتی بود که در سطح رهبری، در بدو امر به اعتراضات انداخته شد. توجه به این اقدامات نشان می‌دهد که انجام کدام خواسته‌ها نه تنها موجب نقض امنیت ملی سوریه نبوده بلکه دولت پُرتأخیر سوریه تاوان آن را می‌پردازد. بشار اسد در مصاحبه ژانویه خود به خبرنگار روزنامه «وال استریت ژورنال» گفت: «سوریه با مصر و تونس فرق می‌کند و دولت سوریه به خواست مردم نزدیک است.» وی گفت: «در سوریه شما مجبورید مطابق خواست و باور مردم رفتار کنید و همین سبب ثبات کشور می‌شود. مسئله اصلی همین است و اگر اتفاق نظر وجود نداشته باشد، خلاء ناشی از آن موجب ناآرامی خواهد شد.» (medianews.ir/2011/03/03) اگر این اظهارات رییس‌جمهور دقیق و هوشمند سوریه را دقیق و هوشمندانه ارزیابی کنیم، آنگاه باید گفت که وی تصریح کرده است که ناآرامی‌های موجود در کشورش تابعی از همان جدا افتادن از خواست مردمش است! اقداماتی که دولت سوریه در این مدت انجام داده نیز گویای همین جدایی است.

از بدو آغاز تشنج در سوریه دو دیدگاه مطرح شد. در یک دیدگاه این تحولات برخاسته از اوضاع داخلی سوریه بود در حالی که دیدگاه دوم کفه مداخله و نقش‌آفرینی قدرت‌های خارجی را جدی‌تر می‌دانست. عناصر میانه‌رو به ضعف‌های داخلی اولویت می‌دهند و مقامات سوری نیز به آن اعتراف دارند.^۱ دولت سوریه نیز در عمل این ترکیب را پذیرفته است و دارای مواضع متفاوتی در حوزه اعلامی و اعمالی است،^۲ در عمل خود را به فریب این تبلیغات نفریفته و در رسانه‌هایش نیز تنها این مطالب را به خورد مردم نداده، بلکه با تن دادن به اعلام اصلاحات اساسی، بر وجود مفاسد و ضرورت اصلاحات، و مخالفین سیاسی خویش رسمیت داده است.

۱- دکتر حبش چندین بار اظهار داشته که ۸۰٪ این اوضاع برخاسته از نابسامانی‌های داخلی و ۲۰٪ آن نتیجه مداخلات خارجی است. پیش از طرح این موضوع از سوی دکتر حبش نیز من این نسبت را قبول داشتم.

۲- به عنوان نمونه می‌توان به موضوع سفر سفیر آمریکا به شهر حماء و حرف و حدیث‌های مبنی بر اطلاع قبلی وزارت خارجه و دکتر بئینه شعبان از این سفر اشاره کرد. همچنین تلاش شد نسبت به اقدامات سفیر آمریکا در دمشق به گونه‌ای اطلاع‌رسانی شود که موجب بی‌اعتمادی مخالفین به وی شود.

اقدامات دولت سوریه را می‌توان در دو سطح اقداماتی برای مدیریت لحظه‌ای بحران و اقدامات بنیادین، مورد بررسی قرار داد. از اولین مواضع رسمی اعلام شده از سوی خانم دکتر «بثینه شعبان» مشاور مطبوعاتی رییس جمهور این روند زوجی ملحوظ واقع گردید و تاکنون ادامه داشته است. دولت سوریه در چهار حوزه اقتصادی، قضایی، امنیتی و سیاسی اصلاحات را آغاز کرد. کافی بودن یا به موقع بودن این سطح از اصلاحات در دو سطح تأثیر عملی و ملاحظات نظری مورد بحث است، زیرا باید اصلاحات را به گونه‌ای مدیریت و اجراء کرد که موجب افزایش اعتماد عمومی به عنوان گران‌بهارترین سرمایه اجتماعی گردد.

الف: اقدامات مدیریت لحظه‌ای

- ۱- چند روز بعد از آغاز اعتراضات، دولت سوریه اقدام به آزادسازی ۲۶۰ تن از زندانیان سیاسی کرد و اخوانی این کشور کرد. (syria-post.net/1276)
- ۲- کمتر از یک ماه پس از آغاز درگیری‌ها کلیه کسانی که دستگیر شده بودند به دستور بشار اسد آزاد شدند. (thawra.alwehda.gov.sy/2011/03/25) در دفعات بعد دستگیرشدگانی که جرم لطمه به اموال شخصی یا اموال دولتی متوجه آن‌ها نگردیده بود، به همراه زندانیان مریض آزاد شدند. (thawra.alwehda.gov.sy/2011/04/15) حداقل سه بار دیگر این سیاست اعمال شد ولی تکرار درگیری‌ها مانع از تکرار این طرح شد و موجب گردید که ضمن افزایش تعداد کشته‌ها، نزدیک به سه هزار مفقود و سیزده هزار زندانی دربند و همین تعداد زندانی شکنجه و آزاد شده پرونده حقوق بشری سوریه را سنگین‌تر کند.
- با برکناری دولت «مهندس محمد ناجی عطری» که به ناتوانی مدیریتی و اقتصادی متهم بود، دکتر «عادل سفر» به عنوان نخست وزیر انتخاب شد. وی وزیر موفق کشاورزی در دولت پیشین و از اتهام فساد مبرا بود. تقلیل‌گرایان مدعی هستند که اعتراضات امروز سوریه نتیجه سوءمدیریت و ضعف‌های ناجی عطری است. (aksalser.com/87) ضعف اقتصادی سوریه یک واقعیت است و تبعات آن بخشی از معترضین را به خیابان کشیده است، ولی مظاهر فراوان بی‌عدالتی که امروز به خوره اعتماد ملی و سرمایه اجتماعی این کشور تبدیل شده، با این نگاه تقلیل‌گرایانه قابل بازسازی نیست. به ویژه اینکه به نظر کارشناسان اقتصاد سوریه از ابتدای سال ۲۰۰۰ با رشد مستمری همراه بوده و اصلاحات صورت گرفته در شش سال اخیر نتایج به نسبت قابل قبولی را به بار آورده است. (badrtoos.com/1674)
- ۳- در ماه اول آغاز اعتراضات استانداران استان‌های حمص، لاذقیه و بانیاس که شاهد

درگیری‌های محدودتری بودند، محل خدمت را ترک و در استان‌های دیگری به کار مشغول شدند. استاندار درعا از کار برکنار شد و فرمانده سازمان امنیت سیاسی درعا سرهنگ عاطف نجیب که پسر خاله رییس جمهور است به دادگاه نظامی معرفی شد. این حرکت بعداً نیز تکرار شد.

۴- بشار اسد تلاش کرد تا خود را مرجع و ملجاء مردم قرار دهد و بزرگان و وجهاء و روحانیان سوری را شخصاً به حضور پذیرد و به حرف آن‌ها گوش فرا دهد. در ملاقات با وجهاء استان حسکه عید نوروز را به آن‌ها تبریک گفت و وعده داد تا ظرف ۱۰ روز آینده نسبت به اعطاء تابعیت و حق شهروندی به اکرادی که از ۱۹۶۲ به بعد از کسب این حق بازمانده‌اند اقدام شود. (thawra.alwehda.gov.sy/201104060) دو روز بعد این وعده عملی شد. وی در ملاقات دیگری که با بزرگان، وجهاء و جوانان تعدادی از شهرها ملاقات کرد و پذیرفت که به دلیل ناآشنایی نیروهای پلیس با شیوه‌های ضد شورش، مردم دچار هزینه و خسارت شده‌اند و از این رو مقرر شده که چهار هزار نیروی پلیس آموزش‌های ضد شورش را فراگیرند. (fadel.ps/1035) این حرکت بعداً نیز تکرار شد.

۵- در اولین مراحل مقابله با اعتراضات نسبت به اصلاحات اقتصادی ممکن اقدام شد؛ دستور راه‌اندازی بیمه تأمین اجتماعی صادر شد؛ (thawra.alwehda.gov.sy/20110404) نسبت به افزایش حقوق توجه شد؛ (thawra.alwehda.gov.sy/20110325) نسبت به کاهش هزینه‌های عمومی چون قیمت سوخت و مالیات اقدام شد؛ (thawra.alwehda.gov.sy/20110404) نسبت به ساخت واحدهای مسکونی برای مردم کم‌بضاعت برنامه‌ریزی شد؛ اصلاحات اقتصادی با هدف کاهش هزینه‌ها و تقلیل فشار اقتصادی بر مردم همچنان ادامه دارد. (thawra.alwehda.gov.sy/20110720)

۶- اعزام هیأت تفقد از خانواده کشته‌شده‌ها که در هفته‌های اول درگیری در درعا مورد اهتمام قرار گرفت بعداً ادامه نیافت و در مراحل بعد این مهم را رییس جمهور شخصاً بر عهده گرفت. وی تمامی کشته‌شدگان نظامی و مردم را شهید خطاب کرد، با خانواده تعدادی از کشته‌ها ملاقات کرد و دستور داد به آن‌ها غرامت داده شود و از امتیازات خانواده شهدا برخوردار شوند. وی در سه سخنرانی به طور مستقیم با مردم صحبت کرد و هرچند در سخنرانی اول خود در پارلمان که جا داشت با ارایه برنامه اصلاحات آبی بر آتش در حال اشتعال مردم بریزد، به یک سخنرانی سیاسی و سیاه و سفید دیدن اوضاع اهتمام کرد، ولی در دو سخنرانی دیگر به اصلاح روند سخنرانی خود اهتمام ورزید.

۷- از اولین روزهای شروع اعتراضات رییس جمهور دستور منع تیراندازی به معترضین را صادر کرد (moheet.com/1) و گفته شد که سرتیپ حافظ مخلوف رییس اداره کل اطلاعات نظامی دمشق،^۱ مأمور نظارت بر حسن اجراء این دستور است. هر چند این دستور هیچ گاه محترم نماند، ولی بارها این دستور به عنوان دلیلی بر عدم آغاز به حمله از سوی نیروهای دولتی تلقی گردید. انتخاب حافظ مخلوف خالی از اشکال نبود. وی برادر رامی مخلوف و پسر دایی بشار اسد و از حیث مبرا بودن از مفاسد اقتصادی و سوءاستفاده از قدرت، فاقد حسن شهرت و دست‌های پاک است.

۸- خوداظهاری نیز شیوه‌ای بود که تا حدودی تأثیرات مثبتی از خود به جا گذاشت. در دوم ماه مه وزارت کشور سوریه طی بیانیه‌ای اعلام کرد که به کلیه کسانی که فریب خورده و در آشوب‌ها شرکت نموده یا نسبت به حمل سلاح اقدام یا اعلامیه پخش کرده‌اند، تا تاریخ پانزدهم ماه فرصت داده می‌شود خود را به مراکز مربوطه معرفی و در جهت معرفی انبارهای غیرقانونی سلاح و خرابکاران همکاری نمایند و از بخشش قانونی برخوردار گردند. (thawra.alwehda.gov.sy/20110502) این بخشنامه تا ۲۲ مه تمدید شد و گفته شد که در این مدت نزدیک به ده هزار نفر خود را معرفی و اقدام به همکاری کرده‌اند. (syriamoi.gov.sy/1)

۹- راه اندازی و اعزام هیأت تحقیق و بررسی به شهرهای آشوب‌زده از دیگر اقدامات است. در ۱۸ مارس اولین کمیته تحقیق در وزارت کشور شروع به کار کرد تا به بررسی حوادث شهر درعا بپردازد. هنوز این کمیته اقدام خاصی انجام نداده بود که به دستور رییس جمهور و با حکم وزیر دادگستری، در ۳۱ مارس هیأت قضایی بلندپایه‌ای متشکل از چهار قاضی تشکیل شد، که دارای دارای کمیته‌های فرعی متشکل از سه قاضی در استان‌ها بود. این هیأت وظیفه داشت تا تحقیق کاملی نسبت به حوادث شهرها انجام دهد و متخلفین را به دادگاه معرفی کند. (thawra.alwehda.gov.sy/20110401) از جمله اقدامات این هیأت، تعلیق استاندار و فرمانده امن سیاسی درعا بود و علی‌رغم مصاحبه‌ها، فعالیت عملی دیگری از سوی آن‌ها مطرح نشد. (sensyria.com/11501) در دومین ماه درگیری‌ها نیز هنگامی که در شهر حماه حدود پنجاه تن در یک روز جمعه کشته شدند، هیأتی به سرپرستی سرلشگر هشام اختیار دبیر شورای امنیت ملی سوریه به تحقیق پرداخت. در این هیأت یکی از اعضاء فرماندهی کشوری حزب بعث، وزیر کشور و استاندار حضور داشتند. در نتیجه

تحقیقات انجام شده تعدادی از مسئولین شهر برکنار شدند، مقرر گردید مسئولین کشتار مورد بازخواست قرار گیرند، خانواده مقتولین غرامت بگیرند و از امتیازات سایر شهداء برخوردار شوند. (syria-news.com/133718) در روز جمعه ۱۱ تیر که به جمعۀ ارحل نامگذاری شد بار دیگر تظاهرات گسترده‌ای در حماء به وقوع پیوست که گفته شد بیش از پانصد هزار شرکت کننده داشته است. در این تظاهرات تعدادی کشته شدند و سپس شهر به محاصره درآمد. روز بعد استاندار حماء برکنار شد و تعدادی از افسران از جمله فرمانده اطلاعات نظامی حماء به دادسرای نظامی فراخوانده شدند. (syria-news.com/134489)

نکته قابل تأمل این است که در کمیته‌های تحقیق، مقامات سوری محکوم، متخلفین دولتی برکنار و مردم مورد تفقد قرار گرفته‌اند؛ در حالی که در گزارش لحظه درگیری‌ها، روند به گونه دیگری ذکر می‌شود و وجود گروه‌های مسلحی که مردم را به گلوله بسته‌اند و حمله به عناصر حفظ نظام و استمداد مردم از آن‌ها، از بخش‌های ثابت اخبار است و بی‌گناهی مردم کمتر مورد اهتمام است. این امر قرینه‌ای بر جهت‌دار بودن اخبار اعتراضات است. اقدامات دیگری نیز انجام شده که ذکر آن‌ها موجب طولانی شدن بحث خواهد شد.

ب: اقدامات بنیادین

۱- توجه به تمایلات مذهبی معترضین از اولین اقداماتی بود که مورد اهتمام قرار گرفت. قانون منع استفاده از پوشیه در مراکز آموزشی سوریه که از یک سال قبل در این کشور به اجرا درآمده و با توجه به اهمیتی که دکتر بشار اسد به حفظ ظاهر دینی دارد وضع آن تعجب برانگیز بود، در عمل لغو گردید. (thawra.alwehda.gov.sy/20110406)

«غیاث برکات» وزیر علوم علت وضع این قانون را مقابله با تفکرات افراطی ذکر کرده بود (www.syria-news.com,118365). این قانون که حتی ادعا شد به منظور جلوگیری از تقلب دانشجویان در هنگام برگزاری امتحان وضع شده (nobles-news.com/82037) موجب گردید، تعداد زیادی از معلمان زن از کادر آموزشی به کادر اداری منتقل شوند و دختران محجبه دانشجویی به مخالفت با سیاست‌های آموزشی پردازند. هرچند در رسانه‌های غربی و سایت‌های خبری کمیته‌های غرب‌گرای جامعه مدنی که آشوب‌های سوریه را پوشش می‌دهند، خبری از اعتراض به این قانون و درخواست لغو آن خبری منتشر نشد، ولی خیل زنان محجبه‌ای که در تظاهرات شرکت دارند و اقدام عاجل دولت سوریه در لغو این قانون، گویای این واقعیت کتمان شده است که از بدو اعتراضات اقشار مذهبی در

آشوب‌ها نقش داشته و این خطای راهبردی در انظار عامه مردم مورد توجه بود. در اقدامی دیگر طی فرمانی از سوی رییس‌جمهور اجازه داده شد که آموزشگاه علوم دینی با وظایفی گسترده در آموزش و نشر علوم دینی و تربیت متخصصین، زیر نظر وزیر اوقاف راه‌اندازی شود. (thawra.alwehda.gov.sy/20110405)

۲- اقدام برای تأمین بخشی از حقوق اکراد نیز اقدام مهمی بود. اعتراض اکراد سوریه از آن رو است که از سال ۱۹۶۲ تاکنون از ثبت مشخصات و شناسایی اکرادی که قبلاً در سرشماری‌ها ثبت نام نشده‌اند، به عنوان اتباع سوریه امتناع شده و از حقوق تابعیت و شهروندی محروم شده‌اند. دولت مدعی است این افراد که جمعیت‌شان به دو بیست هزار بالغ می‌شود، از ترکیه یا عراق مهاجرت کرده‌اند. اکراد این نظر را رد و تعداد آن‌ها را نیز بیش از دو بیست و پنجاه هزار اعلام می‌کنند. بشار اسد از بدو دوران ریاست خویش به اکراد قول داد که به خواسته آن‌ها عمل کند در کنگره دهم حزب بعث در ژوئن ۲۰۰۵ نیز تجدید نظر در این قانون تأیید شد! (thawra.alwehda.gov.sy/20110401) در دستور قانونی شماره ۴۹ که در ۷ آوریل ۲۰۱۱ از سوی بشار اسد ابلاغ شد، مقرر گردید که شناسنامه آن گروه از متولدین استان حسکه که تبعه خارجی معرفی شده‌اند، تعویض و به عنوان تبعه سوریه شناخته شوند. (thawra.alwehda.gov.sy/20110401)

۳- پایان شرایط فوق‌العاده که از سال ۱۹۶۳ و همزمان با شکل‌گیری کودتای حزب بعث در سوریه اعلام شده بود، از اولین خواسته‌هایی بود که پذیرش آن وعده داده شد. در ابتدا تلاش شد تا سرعت عقب‌نشینی محدود باشد و اعلام شد جایگزین این قانون، قانون جدید ضد تروریسم خواهد بود، ولی هنگامی که مردم خشمگین این توجیه را فریب جدید حکومت تلقی کردند، در ۲۱/۴/۲۰۱۱ پایان آن طی فرمان شماره ۱۶۱ رییس‌جمهور اعلام گردید (zaidal.com/13020) این خواسته فصل مشترکی با انقلاب مصر بود و لغو آن نتوانست عمر دولت مبارک را طولانی‌تر کند؛ شاید از آن رو که معترضین چنین باور کرده‌اند که قانون شرایط فوق‌العاده کارکردی بیش از فرار از مسئولیت و پاسخگویی ندارد.

۴- انحلال دادگاه‌های امن‌الدوله که از سال ۱۹۶۸ سایه سنگین خود را بر سر شهروندان غیرنظامی سوریه گسترانده و وظیفه رسیدگی به تخلفات مطرح در قانون شرایط فوق‌العاده

را بر عهده داشت همزمان با لغو قانون شرایط فوق‌العاده، طی بخشنامه قانونی شماره ۵۳ انجام شد و مقرر گردید که جرایم بر اساس اصول محاکمات جزایی و به دادگاه‌های مربوطه در سیستم قضایی احاله گردد. (syriarose.com/33098)

۵- هیأتی برای تدوین قانون مبارزه با فساد و قانون «از کجا آورده‌ای» به ریاست یکی از مقامات ارشد قضایی و با حضور سیزده تن از اساتید دانشگاهی سوریه تشکیل شد تا ظرف یک ماه پیش‌نویس قانون را ارائه دهد. (syria-news.com/132309)

۶- وضع قانون جدید احزاب، از دیگر خواسته‌های مردم بود که کمیته‌ای مأمور تدوین آن شد و در چهارمین ماه اعتراضات قانون جدید تدوین شد (thawra.alwehda.gov.sy/201107080) و مقرر گردید تا در مذاکرات دولت و مخالفان مورد بحث قرار گیرد. هر چند در ظاهر سوریه دارای یک نظام چند حزبی و دموکراتیک است، ولی این ویژگی صوری و منطبق با موج اول دموکراسی است. زیرا بر اساس قانون، این کشور به وسیله جبهه‌ای به نام جبهه پیشرو، متشکل از یک حزب بزرگ و فراگیر به نام حزب عربی سوسیالیستی بعث که دارای اختیاری مطلق در اعلام جنگ و صلح و تبلیغات و عضوگیری و اقتصاد و سیاست و امنیت است، و هفت حزب کوچک و ضعیف که واجد هیچ کدام از این اختیارات نیستند، اداره می‌شود و تا کنگره حزب بعث در سال ۲۰۰۵ که به حزب سوری «قومی اجتماعی» نیز اجازه داده شد در انتخابات آتی مجلس الشعب فعالیت کند، هیچ حزب دیگری دارای فعالیت قانونی در این کشور نبود. از نظر مخالفین، قانون جدید پیشنهاد شده، همچنان دارای اشکال‌های عدیده‌ای است و روح سیطره و اقتدارگرایی در آن موج می‌زند. (metransparent.com/15117) ولی موافقین معتقدند که این قانون تعدد احزاب را تشویع کرده است. (thawra.alwehda.gov.sy/20110728)

۷- قانون آزادی مطبوعات نیز شرایط قانون آزادی احزاب را یافت و کمیته‌ای مأمور تدوین آن شد و در چهارمین ماه اعتراضات قانون جدید تدوین شد و مقرر گردید تا در مذاکرات دولت و مخالفان مورد بحث قرار گیرد. تاکنون این کشور فاقد قانون آزادی مطبوعات بوده و کلیه جرایم دولتی بوده یا مورد تأیید دولت است و به جز حزب بعث که دارای روزنامه‌ای به همین نام است که هر روز در سوریه منتشر می‌شود، سایر احزاب جبهه

پیشرو نیز حق داشتن جریده‌ای عمومی را ندارند.

۸- برای تدوین قانون انتخابات نیز کمیته‌ای تشکیل شد (aligtisadi.com/12650) و در چهارمین ماه اعتراضات قانون جدید انتخابات (thawra.alwehda.gov.sy/20110708) با هدف تأمین سلامت انتخابات پارلمان و انتخابات شوراهای محلی تدوین گردید و مقرر شد تا در مذاکرات دولت و مخالفان مورد بحث قرار گیرد. وزارت امور محلی نیز قانون جدیدی مطرح ساخت که حاکی از تلاش برای دخالت بیشتر مردم در امور محلیشان و تقویت شوراهای محلی است. (news-sy.com/132756) پیش نویس قانون انتخابات نیز از سوی مخالفین کرد از آن رو مورد اعتراض است که همچنان سلطه‌ی جبهه‌ی پیشرو بر انتخابات پارلمانی حفظ گردیده، داشتن تابعیت عربی در ده سال اخیر، اکراد را از کاندیداتوری محروم ساخته است. (gemyakurda.net/44674) مخالفین عرب اشکالات جدی‌تری بر آن وارد می‌کنند که مهم‌ترین آن می‌تواند نادیده‌گرفتن انتخابات ریاست جمهوری باشد. (metransparent.com/15441)

۹- آزادی زندانیان سیاسی از دیگر خواسته‌های معترضین بود که در ۳۱ ماه مه بشار اسد با به آن تن داد (thawra.alwehda.gov.sy/20110601) و با ابلاغ بخشنامه قانونی شماره شصت و یک که طی آن بخشی از تمامی مجازات‌های مرتکبه تا تاریخ صدور دستور، بخشیده شد و مجازات اعدام به حبس ابد با اعمال شاقه و مجازات اخیر نیز در حق محکومین به بیست سال حبس با اعمال شاقه کاهش یافت، حدود چهارصد و شصت تن از زندانیان سیاسی قدیمی سوریه آزاد شدند. گفته می‌شود که این کشور دارای حدود چهارهزار و ششصد زندانی سیاسی است و تا هجده هزار نفر جمع زندانیان سیاسی سوری و غیر سوری ذکر شده است. (www.ikhwanwiki.com/%D8%B3%) در میان آن‌ها عناصر اخوان‌المسلمین دارای شرایط خاصی هستند، زیرا بر اساس قانون شماره چهل و نه که در سال ۱۹۸۰ در مجلس الشعب به تصویب رسید مجازات اعضاء این گروه اعدام است. بخشنامه قانونی شماره شصت و یک هرچند قانون مذکور را لغو نساخت ولی از آنجا که تمام مجازات‌های در نظر گرفته شده در قانون شماره چهل و نه مورد عفو واقع گردید، در واقع این قانون در معرض لغو قرار گرفت. در طی سال‌های پس از به قدرت رسیدن بشار اسد نسبت به اعدام عناصر اخوانی خویشتن‌داری شد و شایع بود که دکتر «محمد حبش» نماینده مردم دمشق در مجلس الشعب سوریه در حال پادرمیانی میان حکومت و

عناصر اخوانی است. وی امام مسجد الزهراء(س) و حافظ کل قرآن مجید و داماد مرحوم شیخ عمر کفتار و مفتی سابق است. در جلسات مشورتی گفتگوهای ملی نیز وی پیشنهادات ساختارشکنانه‌ای ارائه داد که یکی از پیشنهادات ناظر بر لغو قانون شماره چهل و هشت بود. (thawra.alwehda.gov.sy/20110711)

۱۰- انجام مذاکره با مخالفین از دیگر راه کارهایی بود که در نهایت مورد قبول رهبری سوریه قرار گرفت. در ابتدا این مهم بر عهده دو معاون رییس جمهور قرار گرفت، ولی در نهایت خانم «دکتر نجاح العطار» معاون فرهنگی رییس جمهور از این مأموریت کنار رفت و سه روز گفتگوی مشورتی برای هماهنگی جهت گفتگوهای اصلی با حضور دویست نفر از عناصر سیاسی و فرهنگی طرفدار و مخالفین معتدل در دمشق با مدیریت گروهی تحت ریاست «فاروق الشرع» معاون سیاسی بشار اسد برگزار شد. این مذاکرات را مخالفین اصلی حکومت، خواه آنان که در کنفرانس مخالفین در آنتالیا یا بروکسل حضور یافته بودند و خواه عمده آنهایی که در مذاکرات یک روزه مخالفین در هتل سمیرامیس دمشق حضور یافته بودند، رد کردند. با این حال در سطح مطالبات تغییری رخ نداده و کلیه مطالبات مخالفین مطرح گردید. در واقع در این مذاکرات فقط از لعن و نفرین بر بشار اسد خبری نبود. (thawra.alwehda.gov.sy/20110711) مخالفینی که جلسات را تحریم کردند وعده دادند که در ۱۶ ژوئیه با هدف هماهنگی میان مخالفین داخل و خارج، هم زمان کنفرانسی را در دمشق و استانبول برگزار کرده و وزراء دولت انتقالی را نیز تعیین خواهند کرد. ولی دولت سوریه با اعتماد به نفس بیشتری عمل کرد و اجازه نداد در دمشق، کنفرانس مخالفین برگزار شود و مخالفین خارج از کشور نیز نتوانستند برنامه‌های خود را اجرا کنند.

هر چند این مذاکرات دیر هنگام برگزار شد و صف مخالفین سترگ و دولت در موضع ضعف قرار داشت و بخشی از مطالب طرح شده به ویژه نسبت به پایان سلطه حزب بعث موجب ناراحتی و نگرانی مقامات ارشد سوری شد؛ (tollabwashabab.com/5736) ولی توپ را تا حدودی از زمین دولت خارج کرد و مخالفین را در معرض توضیحی قانع کننده برای امتناع از مذاکرات با دولت قرار داد.

هنوز دو اصلاح اساسی و قانونی دیگر باقی مانده است؛ یکی لغو سیطره حزب بعث بر کشور که منوط به اصلاح اصل ۸ قانون اساسی است و دیگری خارج ساختن انحصار کاندیداتوری ریاست جمهوری از اختیار حزب بعث که آن هم منوط به اصلاح اصل ۸۴

قانون اساسی است. تا کنون این دو خواسته در محور مطالبات سیاسی مردم قرار نداشته، زیرا مطالبات اولویت‌دار دیگری که تحقق آن‌ها در زندگی جمع بیشتری از مردم مهم و تأثیرگذار بوده، بر این خواسته‌ها مقدم واقع گردیده است. این خواسته‌ها نیز در مراحل بعد و پس از تحقق خواسته‌های پیش گفته مطرح خواهد شد و از هم اکنون بخشی از کادرهای نظام سوریه به استقبال این اصلاحات رفته و اجتناب‌ناپذیر بودن آن‌ها را به دیگران یادآور می‌شوند. در جلسات مشورتی گفتگوهای ملی دو پیشنهاد ساختار شکنانه اصلاح اصل ۸^۱ و اصل ۸۴^۲ قانون اساسی را دکتر محمد حبش نیز ارائه داد. (thawra. alwehda. gov. sy/20110711)

هر چند اصلاحاتی مهم و ریشه‌ای در طی ماه‌های اخیر در دو سطح بیان شده انجام شده، و بخشی هر چند مهم و عمده از آن را ذکر کردم ولی شاهدیم که تنوع اعتراضات روز به روز گرم‌تر شده است. یافتن پاسخ این اوضاع مرحله‌ای مهم در مهندسی اصلاحات اجتماعی است. پاسخ به این سوال را باید در ضعف‌ها و موانع کارآمدی اصلاحات در سوریه جستجو کرد

ضعف‌ها و موانع کارآمدی اصلاحات

۱- اولین ضعف می‌تواند ناشی از تفاوت میان قدر مطلق و قدر نسبی اصلاحات باشد. واضح است که اصلاحات اعلام شده و در دست اجرا از قدر مطلق بالایی برخوردار است، ولی این حجم از اصلاحات نشانگر انبوه مطالبات انباشته شده است که به نسبت یازده سال حکومت بشار اسد یا چهل و یک سال حکومت وی و پدرش مورد غفلت یا بی‌اعتنایی قرار گرفته است.

۲- انجام اصلاحات نیازمند دولتی کارآمد و استراتژی راهیاب است، در حالی که ساختار اداری سوریه ساختاری ناتوان و پُرتأخیر است و مردمی که با این ساختار آشنا هستند به راحتی به قول‌های داده شده امید نمی‌بندند. رهبری سوریه استراتژی اصلاحات چینی را برای کشور در نظر گرفته بود ولی عوامل مختلفی امکان اجرای چنین الگویی را در آن

۱- در ۳۱ ماه مه روزنامه شبه رسمی الوطن سوریه از قول محمد سعید بخیتان معاون دبیرکل حزب بعث سوریه اعلام کرد: در بر روی الغاء ماده ۸ قانون اساسی که حزب بعث را به حزب رهبری کننده در دولت و جامعه سوریه تبدیل می‌کند بسته است. پس از جلسه مشورتی، فاروق الشرع نیز ناراحتی خود را از صحبت در خصوص الغاء حاکمیت حزب بعث اعلام کرد.

۲- بر اساس این اصل فردی از سوی مجلس الشعب به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری به مردم معرفی می‌شود که از سوی فرماندهی کشوری حزب بعث پیشنهاد شده است.

کشور منتفی ساخته است. استراتژی جدید اصلاحات نیز به اجماع نسبی و خرد ملی محتاج است در حالی که سازکار این کشور در شیوه دستیابی به این مهم امروز در چالش قرار گرفته است.

۳- هرچند تحلیل وضع اقشار معترض، نشان‌گر به پاخاستن بخشی از جامعه مذهبی سوریه است، ولی عناصر شناخته شده جامعه مدنی و فعالان کمیته‌های حقوق بشری از این تحركات برای خود تریبونی ساختند تا مطالبات سیاسی خود را بازگو کنند. دل‌بستن حکومت به این افراد و امتیاز دهی به آن‌ها حتی اگر برای ایجاد تفرقه و جداسازی معترضین از یکدیگر باشد، نمی‌تواند راه چاره و آبی بر آتش احساسات معترضین باشد. این گروه فاقد پایگاه در میان معترضین هستند و معترضین با خواسته گروه اخوان‌المسلمین همسو ترند. ارتباط با عناصر اخوانی ممکن است اقدامی راه‌گشا باشد و راه‌های فراوان و کم‌هزینه‌ای را می‌توان یافت، مشروط بر اینکه این راهبرد نیز اسیر تأخیرهای سوریه نشود.

۴- اعتماد مردم به حکومت به عنوان یک سرمایه ملی، شرط لازم برای انجام اصلاحات است. هر چند دولت سوریه در حوزه سیاست خارجی دولتی قابل پیش‌بینی و دارای روندی مستمر بوده، در دوستی قابل اتکاء و اعتماد است و از این حسن سابقه به عنوان یک سرمایه استفاده می‌کند، ولی در حوزه سیاست داخلی، دولت سوریه فاقد چنین سرمایه‌ای است. به عنوان نمونه اکنون به مرور معلوم می‌شود که در کنگره سال ۲۰۰۵ حزب بعث، لغو قانون شرایط اضطراری و لغو دادگاه‌های امنیتی و ضرورت تدوین قانون جدید احزاب به تصویب رسیده بود! ولی تا هنگامی که مردم به خیابان نریختند هیأت حاکمه حاضر به پذیرش حق مردم نشد. این تأخیر هزینه‌ای بس گران برای دمشق به بار آورده است.

۵- تا سال ۲۰۰۵ اصطلاح حرس قدیم و حرس جدید اصطلاحی متداول بر سر زبان‌ها بود. بشار اسد به عنوان نماد حرس جدید و مدافع حقوق مردم معرفی شده و گناه تأخیر در اصلاحات بر گردن حرس قدیم می‌افتاد. پس از کنگره سال ۲۰۰۵ عبدالحلیم خدام که نماد حرس قدیم بود به فرانسه رفت و از بازگشت امتناع کرد و دیگر کسی نماند که تقصیر مخالفت با اصلاحات و استمرار روح محافظه‌کاری به پیش نوشته شود. این در حالی است که همین گروهی که با بشار اسد به قدرت رسیده‌اند در ساختاری لاییک، ناکارآمد و غیر

مردم‌سالار، پا جای پای حرس قدیم گذاشته‌اند.

۶- تمکین و پذیرش خواسته‌های معترضین، همزمان با برخوردهای خشنی که میان نیروهای امنیتی و مردم صورت می‌گیرد گویای عدم انسجام و وحدت فرماندهی است. فارغ از آنکه گفته می‌شود مسئولیت مقابله نیروهای نظامی و امنیتی با معترضین را ماهر اسد بر عهده دارد، ساختار سیاسی - نظامی سوریه اجازه نمی‌دهد که بیش از یک نفر حرف بزنند. دلایل این عدم انسجام را باید در ساختار تحلیلی بشار اسد ارزیابی کرد. ثمره این از هم گسیختگی عدم بهره‌برداری از اصلاحات اعلام شده در کف خیابان‌ها و کاهش گزینه‌های پیش روی حکومت است.

۷- در مراسم تشییع جنازه حافظ اسد مجموعه ای از مقامات جهان شرکت کردند و نشان داده شد که در دوران پس از مرگ وی سوریه همچنان مورد توجه خواهد بود. انتظار بود که بشار جوان و تحصیل کرده در غرب تجدیدنظری اساسی در سیاست خارجی پدر داشته باشد، ولی به طور قطع انتظار نبود که او در دفاع از مقاومت صادقانه‌تر در میدان بماند و در یک دهه حکومت نقش قابل اعتمادتری در این جبهه رو به رشد ایفا کند. آمریکا که از سال ۲۰۰۴ با تصویب قانون بازخواست از سوریه پا به میدان تضعیف عملی سوریه گذاشت و سپس با تصویب قطعنامه‌های ۱۵۵۹ و ۱۵۹۵ این تلاش را به سطح بین‌المللی کشاند، سعی نمود به حمایت آشکار از مخالفین سوریه نیز پردازند. از این‌رو با جا دادن به مخالفین سوریه و اختصاص بودجه برای راه‌اندازی کانال تلویزیونی «البردی» راه عقیمی را که در مبارزه با ج.ا. ایران امتحان کرده‌اند، در سوریه به بوته آزمایش گذاشت. اکنون چند سال است که از سوی غرب به دمشق فشار وارد می‌شود تا در روابط با کشورمان به طور جدی تجدید نظر کند. عبدالحلیم خدام حتی در دوران حیات حافظ اسد از این سطح از روابط با جمهوری اسلامی ایران ناراضی بود. اسرائیل نیز ادامه روابط دمشق - تهران را به معنای ادامه تقویت بنیه دفاعی حزب‌الله لبنان و ناقض امنیت خود می‌داند. با توجه به ضعف‌هایی که در ساختار سوریه وجود دارد دشمن زود هنگام از آرزوی پیروزی بر این حکومت و به زانو درآوردن آن ناامید نخواهد شد و از تلاش برای تضعیف روزافزون دمشق و تحریک مخالفان برای تضعیف و ناکارآمد ساختن اصلاحات دست برنخواهد داشت. باتوجه به اینکه حفظ رژیم صهیونیستی اسرائیل یکی از دو هدف حیاتی آمریکا در خاورمیانه است، در صورتی که سوریه حاضر به ممانعت در برابر اسرائیل شود و حمایت از گروه‌های

اسلامی که امنیت این رژیم را تهدید می‌کنند را واگذارد، آنگاه بار دیگر آرامش به سوریه باز خواهد گشت و مردم سوریه با فشارهایی که از سوی حکومت به آن‌ها وارد می‌شوند تنها گذاشته خواهند شد، (nobles-news.com/85858) همان‌گونه که مردم سایر کشورهای عرب منطقه چنین بوده‌اند.

۸- اصلاحات در سوریه نیازمند بودجه قابل اعتنایی است در حالی که کشور سوریه یک کشور فقیر در خاورمیانه است. بر اساس گزارش نشریه مید، در سال جاری درآمد سرانه اتباع سوریه ۱۲۸۹ دلار تخمین زده شده است. (parsatinegar.com/7904) کل بودجه این کشور در سال ۲۰۱۱ حدود ۱۶/۷ میلیارد دلار (۸۳۵ میلیارد ل. س) است (syri amore. com/9325) که گویای کوچکی حجم اقتصاد این کشور دارای بیشترین اقتصاد دولتی است. شرایط سیاسی پیش‌آمده و لطمه‌ای جدی که بر اعتبار سیاسی رهبری سوریه و بخش خصوصی طرفدار هیات حاکمه وارد شده، تا مدتی همکاری‌های اقتصادی اروپا با این کشور را ضعیف نگه خواهد داشت. آشوب‌های جاری نیز بر بنیه سیاحتی این کشور لطمه وارد کرده است و دولت نیز به منظور کاهش فشار بر مردمی که با انگیزه اعتراض به گرانی با آشوب‌ها همراهی می‌کردند اقدام به کاهش قیمت‌ها نموده و از درآمدهای خود کاسته است. ضعف اقتصادی دولت را در محقق ساختن وعده‌ها با دغدغه روبرو خواهد کرد.

۹- شاید مهم‌ترین مشکل آن است که رهبری سوریه هم اکنون فاقد گفتمان جدید و اقناع‌کننده‌ای در زمینه‌های سیاسی یا اقتصادی یا اجتماعی است تا بتواند با طرح آن یک بسیج اجتماعی را در سوریه راه‌اندازی و هدایت کند. تمام امتیاز اقداماتی که تاکنون انجام شده به حساب حکومت واریز نمی‌شود چراکه گفتمان اعتراضی معارضین، آن‌ها را بر دولت سوریه تحمیل کرده است و ماشین تبلیغاتی و سیاسی سوریه با چنان قدرتی به میدان نیامده تا بتواند پرچم اصلاحات را در اختیار بگیرد و از این به بعد آن را مدیریت کند. گفتمان سنتی سوریه نیز همان گفتمان سوسیالیستی حزب بعث است که اکنون سال‌هاست از حیات سوریه رخت بر بسته است و اجراء ناقص گفتمان توسعه‌چینی بر هزینه‌های سوریه افزوده است. گفتمان مقاومت نیز که تا سال ۲۰۰۶ در در سوریه مدافع داشت با خاموشی جبهه‌های لبنان و فلسطینی در اذهان مردم کم‌فروغ شده و در نزد معترضین به

تنهایی نمی‌تواند فلسفه حکومت حزب بعث سوریه را توضیح دهد. تلاش دشمنان برای غیرواقعی نشان دادن واقعیتی به نام مقاومت و سکوت معنی‌دار اسرائیل در قبال حوادث سوریه، که ظاهراً با هدف اجتناب از مدرک دادن به مقامات سوری در این شرایط است اقدامی برای کاستن از کارکرد گفتمان مقاومت به عنوان تنها گفتمان و سرمایه قابل اعتنای در اختیار سوریه است. استمرار برتری گفتمانی مخالفین می‌تواند اصلاحات وعده داده شده را نقش بر آب کند. در این شرایط سوریه نیازمند طرح گفتمان جدیدی است که نظر مردم را به خود جلب کند و به آن‌ها امید بدهد و آن‌ها را از شنیدن حرف مخالفین مستغنی سازد. شیوه مقابله عربستان سعودی با اعتراضات که مبتنی بر توزیع ۳۶ میلیارد دلار پول میان مردم بود نشان می‌دهد که معمولاً گفتمان عدالت اقتصادی از عهده ناممکن‌ها بر می‌آید. اگر در این شرایط دولت سوریه همراه با اجرای اصلاحات سیاسی، اجرای طرح سهام عدالت یا توزیع یارانه‌ها را با استفاده از کارنامه ج.ا. ایران مطرح نماید، ممکن است نه تنها از مشکل ضعف گفتمان خارج می‌شود بلکه بار دیگر می‌تواند از مواهب تکمیلی گفتمان مقاومت نیز بهره‌مند شود و آرامش را به جامعه بازگرداند.

نتیجه‌گیری

پس‌لرزه تحولاتی که در جهان عرب از ماه‌های ابتدای سال ۲۰۱۱ به طور گسترده‌ای آغاز شده و چندین کشور را در بر گرفت، با همان شیوه به کارگیری فضای مجازی و فراخوان‌های فیسبوکی آرام آرام به خاک سوریه رسید و بخشی از مردم را به صف معترضین کشاند. سوریه کشوری است که در چهار دهه گذشته در گفتمان مقاومت نقش و جایگاه به‌سزایی داشته ولی خواسته‌های امروز معترضین در چارچوب گفتمان دستیابی به آزادی‌های مشروع و حقوق سیاسی مطرح گشته و در چارچوب گفتمان مقاومت قابل طرح و بررسی نیست. چارچوبی که پیش از این در گفتمان لیبرالیسم و در قالب طرح خاورمیانه بزرگ مطرح شده بود و اکنون غرب با سردمداری واشنگتن تلاش می‌کند تا با همراه نشان دادن خویش با موج اعتراضات اجتماعی خاورمیانه، در سوریه نیز به بهره‌برداری بپردازد و آن را در چارچوب تحولات اجتماعی لیبرال مصادره کند.

بررسی خواسته‌ها و مطالبات معترضین از یک سو و اصلاحات دولت، گویای آن است که تحولات و اعتراضات برخاسته از عوامل زمینه‌ساز داخلی است و عوامل خارجی در قالب عوامل تسریع کننده و تکمیل کننده، فعال هستند ولی ضعف‌های مدیریتی و فقدان

اعتماد به انجام وعده‌های داده شده، ضعف و ناتوانی اقتصادی و ساختار اقتداری، مانع از آن است که معترضین را به انجام اصلاحات وعده داده شده مطمئن سازد. هنوز آشوب‌ها در این کشور فراگیر نشده و بشار اسد با اتکاء به ویژگی‌هایی همچون مردم‌داری، ارتباطات گسترده با جامعه و انگیزه حفظ و بازسازی میراث پدر از فرصت مهار بحران برخوردار است. ارزیابی نتایج اصلاحات اعلام شده در کنار خشونت‌های اعمال گشته، گویای آن است که سیاست‌های رهبری سوریه فاقد انسجام است و استمرار این رفتارها، گزینه‌های پیش روی دمشق را کاهش می‌دهد.

بررسی روند اعتراضات گویای ویژگی‌های منحصر به فردی است که تاکنون سوریه شاهد آن بوده است. هرچند پیگیری مطالبات آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه پیش از این نیز در سوریه رخ داده است، ولی بر خلاف گذشته در این برهه اعتراضات از درون جامعه مذهبی سوریه به یارگیری پرداخته و طبقات متوسط و ضعیف را با خود همراه ساخته است. همین شرایط استثنایی آینده اصلاحات حکومتی را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

دولت دمشق از بدو امر در دو حوزه مدیریت بحران و اقدامات بنیادین، تلاش‌های متنوع و قابل تأملی انجام داده و با خواسته‌های معترضین همراهی کرده است. این اصلاحات در چهار حوزه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و قضایی در دست اجرا است و به عموم خواسته‌های معترضین توجه شده و به سمت تحقق اصلاحات مورد درخواست گام برداشته شده؛ علاوه بر آنکه از نیروی نظامی و امنیتی در مقابله و سرکوب آشوب‌ها بهره‌افراوان برده و اسراف فراوان شده است. در هر دو مسیر بیش از این نیز گام برداشته خواهد شد و الغاء سیطره حزب بعث و پایان یافتن اصل انتخاب‌کنندگی حزب بعث برای ریاست جمهوری سوریه، از هم اکنون قابل پیش‌بینی است. شدت برخوردهای سخت‌افزاری مانع از تأمین مشروعیت مورد انتظار برای رهبری سوریه شده و استمرار این رفتار متعارض، گزینه‌های پیش روی دمشق را روز به روز کم‌تر خواهد کرد. اقدامات اصلاحی وعده داده شده و در دست انجام نشان‌گر انبوه مطالباتی است که مردم سوریه خود را در کسب آن‌ها محق می‌دانند و هر چند این اصلاحات در تلاش برای کاهش اعتراضات است، ولی پس از این تمام جامعه سوریه را دست‌خوش تحول می‌سازد.

انجام اقدامات اصلاحی وعده داده شده نیازمند توانایی‌های مادی و معنوی گسترده‌ای است که ممکن است خارج از توانمندی‌های بالفعل این کشور باشد. هر چند دمشق در تأمین این توانایی‌ها به یاری دوستان و متحدین خود چشم خواهد دوخت، ولی لازم است

که به طور جدی برای تأمین و ارتقاء سطح اعتماد ملی در پهنه خاک سوریه تلاش کند و با دست زدن به یک بسیج اجتماعی، فضای گفتمانی مناسبی را که استمرار حاکمیت علویان در سوریه را تضمین کند ارائه نماید و از ادامه مقابله خونین با معترضین اجتناب کند. در این شرایط کوشش برای جلوگیری و سد کردن تأثیرگذاری عناصر فراملی، ملی و فروملی در کنار کمک و تشویق هرچه بیشتر مقامات سوری، برای دور شدن از راه بی‌عاقبت پرهزینه کردن و سرکوب اعتراضات مردمی و روی آوردن به اصلاحات و اعطاء حقوق مردم می‌تواند بار دیگر دولت سوریه را به یک دولت قوی و دارای پشتوانه مردمی تبدیل کند.

منابع و مآخذ

۱-منابع فارسی:

۱. تیموئی دی. سیسک، (۱۳۷۹)، تقسیم قدرت و میانجی‌گری بین‌المللی در منازعات قومی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۲. جهان‌بزرگی. احمد، (۱۳۸۸)، امنیت در نظام سیاسی اسلام- اصول و مؤلفه‌ها، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه و اندیشه اسلامی
۳. ربیعی. علی، (۱۳۸۳)، مطالعات امنیت ملی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
۴. هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۸۱)، موج سوم دموکراسی در قرن بیست و یکم، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علمی، فرهنگ معاصر
۵. کریمی، جواد، (دی و بهمن ۱۳۸۹) بیداری اسلامی، سرمقاله، ماه‌نامه نباء، شماره ۴۲-۴۱

۲-منابع انگلیسی:

1. <http://ahmadblogs.net/amn/#more-776>
2. http://www.aksalser.com/?page=view_articles&id=87d19db1779455838d3cd0e880f569e&ar=865691316
3. <http://www.al3asefah.com/forum/lofi/version/index.php/t24869.html>
4. <http://www.aliqtisadi.com/news/12650>
5. <http://www.aljazeera.net/NR/exeres/C0B26ADE-FFA5-461F-9A00-3B6D79C6B166.htm>
6. <http://www.almustaqbal.com/stories.aspx?StoryID=457455->

7. <http://www.an7a.com/2011-01-05-10-37-08/352-25-.html>
8. <http://www.anhri.net/syria/makal/2010/pr0312.shtml>
9. <http://www.altawhid.org/2011/05/10/>
10. http://www.badrtoos.com/news/show_detail.asp?id=1674
11. <http://www.facebook.com/topic.php?uid=420796315726&topic=17005>
12. <http://fadel.ps/news/news-det-10353.html>
13. <http://www.france24.com/ar/20110506-syria-shield-bashar-assad-demonstrations>
14. <http://www.gemyakurda.net/modules.php?name=News&file=article&id=44674>
15. <http://www.ikhwanwiki.com/index.php?title=%D8%B3%>
16. <http://www.kuwait.tt/ArticleDetails.aspx?Id=126775>
17. <http://www.medianews.ir/fa/2011/03/03/youtube-facebook-syria.html>
18. http://www.mettransparent.com/spip.php?page=imprimer_article_avec_forum&id_article=15117
19. http://www.mettransparent.com/spip.php?page=imprimer_article_avec_forum&id_article=15441
20. http://www.moheet.com/show_news.aspx?nid=467928&pg=1
21. http://www.news-sy.com/readnews.php?sy_seq=132756
22. http://www.nobles-news.com/news/news/index.php?page=show_det&select_page=10&id=82037
23. http://www.nobles-news.com/news/news/index.php?page=show_det&select_page=1&id=85858
24. http://www.parsatinegar.com/Farsi/View.asp?id=2035&kind=9&_ref=0.79048
25. <http://www.sensyria.com/index.php?rto=901&id=11501>
26. <http://www.shababsyria.org/vb/showthread.php?t=44340/>
27. http://www.syria-news.com/readnews.php?sy_seq=134318
28. http://www.syria-news.com/readnews.php?sy_seq=134533
29. <http://www.syria-post.net/index.php?news=12761>

29. <http://www.syriamoi.gov.sy/portal/index.php?page=show&ex=2&dir=news&nt=1&First=&Last=&Current Page=&nid=184&lang=1>
30. http://www.syria-news.com/readnews.php?sy_seq=133718
31. http://www.syria-news.com/readnews.php?sy_seq=134489
32. http://www.syria-news.com/readnews.php?sy_seq=118365
33. <http://www.syriarose.com/ar/news/view/33098.html>
34. http://www.syria-news.com/readnews.php?sy_seq=132309
35. http://syriamore.com/fullnews.php?news_id=9325
36. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=18057968320110505012620
37. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=24008757920110324012008
38. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=105333144520110610024244
39. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=18388532120110528021049
40. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=45449827420110325035937
41. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=87889782920110415031207
42. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=45153986720110406011001
43. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=2282114520110404013542
44. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=45449827420110325040324
45. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=2282114520110404013527
46. http://thawra.alwehda.gov.sy/_View_news2.asp?FileName

me=30106632820110720014910

47. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=45153986720110406010517

48. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=66753289120110401014258

49. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=18021850820110502021557

50. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=23708116620110405002854

51. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=29884601120110708012947

52. http://thawra.alwehda.gov.sy/_View_news2.asp?FileName=30249674020110728004750

53. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=29884601120110708013003

54. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=29939206920110711014450

55. http://thawra.alwehda.gov.sy/_archive.asp?FileName=28081056820110601020853

56. <http://tollabwashabab.com/details.php?id=5736>

57. <http://zaidal.com/229/showthread.php?t=13020>

Lets Have a Glance at the Social Basis of the Recent Development of Syria

Seyed Hossein Mousavi
PhD Intrnational Relations of Azad Islamic University

The first months of 2011 were witnessing the arrival of the new wave of Middle East movements to Syria, a phenomenon which disturbed the relatively calm Syrian society. So far, there has not been any consensus among political analysts with regards to the root causes of the Syrian crisis, unlike Tunisian and Egyptian cases. While some analysts call this phenomenon a social riot, others call it revolution or even a soft regime change. However, the Syrian case like many other Middle Eastern cases where the showcase of social creativities were present with the help of internal as well as external factors in the post cold war era, and of which some have been exploited by the Western actors, is worth to be investigated in terms of the specifics of its internal as well as external contributors.

This paper tries to review first of all the social and structural elements which have paved the way to the emergence of the new wave of people's protest in Syria. Then, it will touch upon the measures taken by the Syrian Government in order to overcome the crisis and pacify the social environment. Finally, the paper discusses about the policy response consequences and the fact that how it may contribute to the obstacles and difficulties that the Syrian Government faces with.

Keywords: Reforms, Bashar Asad, the Islamic awareness, Syrian developments, crisis management